

# آیین‌ها

نشریه دوماهانه بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت هند (تهران)

شماره سی و چهارم، ژوئن-ژوئیه ۲۰۱۰ م.، خرداد-تیر ۱۳۸۹ ش.



# مدرسه سفارت هند - تهران

(یک مدرسه بین المللی عالی)

## نکات برجسته:

- پیش دبستانی تا کلاس دوازدهم
- تمام درس ها به زبان انگلیسی تدریس می شود
- آموزش با کیفیت عالی با تأکید بر رشد شخصیتی منسجم
- گروه معلمان و دبیران بسیار ماهر و متعهد
- آزمایشگاه های کاملاً مجهز
- کامپیوتر با دسترسی به اینترنت
- فعالیتهای ورزشی (داخل سالن و هوای آزاد)
- آمفی تئاتر چند منظوره
- سرگرمی های همزمان برای عرضه و بهبود بخشیدن استعدادها
- وابسته به هیئت مرکزی آموزش متوسطه ( Central Board of Education )، دهلی نو
- تسهیلات ایاب و ذهاب از تمام نقاط شهر
- چند ملیتی به معنای واقعی ( شاگردان بیش از ده کشور مشغول تحصیل هستند )
- تشویق نوآوری، ابتکار و خلاقیت
- القا و آموزش ارزش سکولار و انسانی
- بوفه با خوراکی های بهداشتی

رئیس مدرسه : آقای یشپال سینگ (Mr. Yashpal Singh)

تلفن: ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۳۴۶۴۰

دورنگار : ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۲۰۲۴۲

نشانه الکترونیکی : kvtehran@yahoo.com



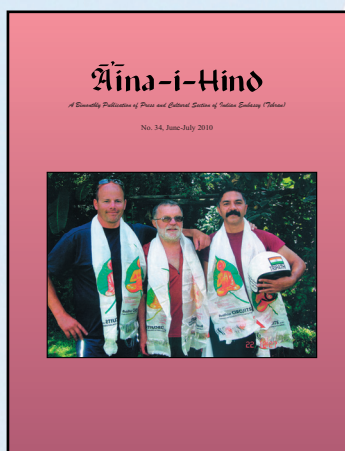
# آئینه هند ( نشریه بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت هند - تهران )

شماره سی و چهارم، ژوئن-ژوئیه ۲۰۱۰ م.، خرداد-تیر ۱۳۸۹ ش.

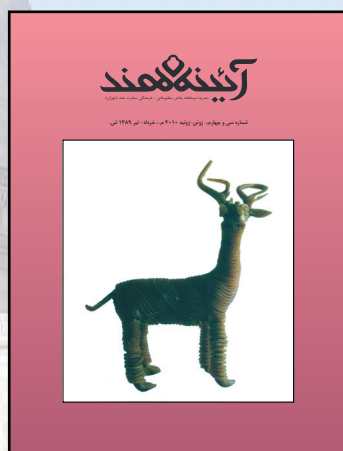
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

مترجم و ویراستار : سید عبدالقادر هاشمی

مدیر مسؤول : مریدو پاون داس (دبیر دوم)  
(Mridu Pawan Das)



تریپاتی، لئو دیکسون و رافائل



نمونه ای از صنایع دستی دوکرا

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	شانزدهمین اجلاس کمیسیون مشترک هند و ایران
۶	سلول های بنیادی؛ به سمت فردایی عاری از بیماری / نویسنده: ریچا شارما (Richa Sharma)
۹	سمینار راجع به فرصت های سرمایه گذاری در ایران
۱۱	میراث جهانی عدم خشونت گاندی / نویسنده: ساویتا سینگ (Savita Singh)
۱۵	روپیه هند دارای علامت می شود و به کانون پول های رایج تراز اول می پیوندد
۱۶	اهمیت پنج تنتر (پنجانترا) در ادبیات جهان و ترجمه های آن / نویسنده: دکتر انجم ضیاءالدین تاجی / مترجم: سید عبدالقادر هاشمی
۲۱	تجربه ای منحصر به فرد در چشم پزشکی از راه دور
۲۳	صنایع دستی دوکرا به فراسوی زمان پیش می رود / نویسنده: ریکها شانکار (Rekha Shankar)
۲۹	رامایان مصور اکبر اعظم و نسخه ی شخصی خان خانان / نویسنده: جلال الدین / مترجم: سید عبدالقادر هاشمی
۳۱	کشیده کاری؛ سمفونی نخهای کشمیری / متن: اوپندرا سود (Upendra Sood) / عکس: بيملا ورما (Bimla Verma)
۳۵	خیزران؛ بهترین جایگزین الوار / نویسنده: اوما سوامی (Uma Swamy)
۳۸	کارائیب؛ زیستگاه جانورانی از هند / نویسنده: دکتر کومار مهابیر (Dr. Kumar Mahabir)
۴۱	اوج ماجرا؛ رکورد چتر بازی نمایشی / نویسنده: رامیش تریپاتی / مترجم: مریم حسینی متقاعد

**خوانندگان عزیز و گرامی!** ما از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کنیم و از شما دعوت می کنیم که مقالات و نوشته های خود را راجع به

روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران و هند (به صورت افتخاری) برای انتشار در این مجله ارسال نمایید.

نشانی ما عبارت است از: تهران - خیابان میرعماد - شماره ۴۶ یا تهران صندوق پستی شماره ۴۱۱۸-۱۵۸۷۵

نشانی الکترونیکی: indemteh@dpimail.net داورنگار: ۸۸۷۴۵۵۵۷ - ۸۸۷۵۵۹۷۳

**علاقه مندان به این مجله می توانند با نشانی مجله مکاتبه نمایند تا برای آنها به طور رایگان ارسال گردد.**



## شانزدهمین اجلاس کمیسیون مشترک هند و ایران



وزیر امور خارجه هند با وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران آقای حسینی در حال مبادله ی اسناد مربوط به توافق نامه هایی که در پایان اجلاس کمیسیون مشترک در دهلی نو به امضا رسید. (هشتم ژوئیه ۲۰۱۰م. / هفدهم تیرماه ۱۳۸۹ شمسی)

شانزدهمین اجلاس مشترک هند و ایران در دهلی نو در روزهای هشتم و نهم ژوئیه ۲۰۱۰م. / هفدهم و هجدهم تیر ۱۳۸۹ هـ.ش. تشکیل شد.

ریاست مشترک این اجلاس را جناب دکتر شمس الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی از طرف جمهوری اسلامی ایران و وزیر امور خارجه جناب آقای ایس. ام. کریشنا از طرف هند به عهده داشتند. اجلاس کمیسیون مشترک فرصتی فراهم کرد که همکاری متقابل اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین موافقت به عمل آمد که اجلاس آینده در تهران برگزار شود.

طی اجلاس کمیسیون مشترک یادداشت های تفاهم و موافقت نامه های زیر به امضاء رسید:

۱. موافقت نامه خدمات هوایی



وزیر امور خارجه ی هند آقای اس.ام. کریشنا و وزیر امور اقتصادی و دارایی آقای شمس الدین حسینی در حال امضای توافق نامه ها در پایان اجلاس کمیسیون مشترک در دهلی نو



وزیر امور خارجه هند آقای اس.ام. کریشنا و وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران آقای شمس الدین حسینی پس از امضای توافق نامه ها در پایان اجلاس کمیسیون مشترک در دهلی نو (۱۳۸۹/۴/۱۷)





آقای حسینی و آقای عبدالله - امضای توافق نامه ها در پایان اجلاس  
متشرك در دهلی نو



آقای حسینی و وزیر امور انرژی جدید و جایگزین شونده - امضای توافق  
نامه در پایان اجلاس کمیسیون مشترک



وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران آقای دکتر شمس الدین حسینی مورد  
استقبال وزیر امور دارایی هند آقای پراناب موکهرجی قرار می گیرد



وزیر امور اقتصادی و دارایی دکتر شمس الدین حسینی با وزیر دارایی هند  
آقای پراناب موکهرجی در دهلی نو

۲. موافقت نامه برای انتقال دادن افراد محکوم

۳. یادداشت تفاهم درباره ی همکاری در انرژی جدید و جایگزین شونده

۴. یادداشت تفاهم برای همکاری در صنایع کوچک مابین شرکت ملی صنایع کوچک (هند) و سازمان صنایع کوچک و پارک های صنعتی

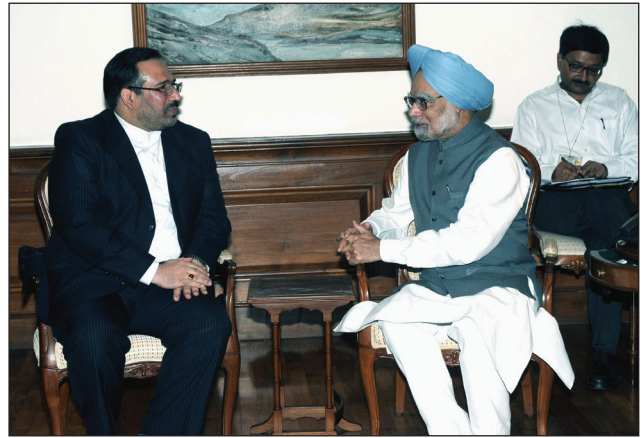
ایران

۵. برنامه ی همکاری در زمینه ی علوم و فناوری و یادداشت تفاهم ما بین موسسه ی مرکزی تحقیقات خمیر کاغذ هند و دانشگاه علوم

کشاورزی و منابع طبیعی گرگان (ایران)



وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران دکتر شمس الدین حسینی مشغول مذاکره با نخست وزیر هند دکتر مانموهن سینگ در دهلی نو



دیدار وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران دکتر شمس الدین حسینی با نخست وزیر هند دکتر مانموهن سینگ در دهلی نو



وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران دکتر شمس الدین حسینی هنگام ایراد سخنرانی اصلی در سمینار فدراسیون اتاق های بازرگانی و صنعت هند راجع به فرصت های سرمایه گذاری در ایران

دکتر شمس الدین طی سفرش با نخست وزیر دکتر مانموهن سینگ ملاقات کرد. او همچنین با وزیر دارایی آقای پراناب موکهرجی و آقای شیوشانکار منون، مشاور امنیت ملی دیدار به عمل آورد و یک سمینار بازرگانی راجع به "فرصت های سرمایه گذاری در ایران" را که از طرف فدراسیون اتاق های بازرگانی هند (The Federation of Indian Chambers of Commerce and Industry) برگزار شد، افتتاح کرد.

هیئت بازرگانی همراه با دکتر حسینی همچنین با اتاق های وابسته ی بازرگانی و صنعت هند (The Associated Chambers of Commerce and Industry of India) و کنفدراسیون صنعت هند (The Confederation of Indian Industry) داشته است.



# سلولهای بنیادی

## به سمت فردایی عاری از بیماری

نویسنده: ریچا شارما (Richa Sharma)

هند با سلول بنیادی درمانی که به عنوان درمانی برای آینده پدیدار گشته است به معدود کشورهایی در حساب باز کردن روی گزینه های پیشرفته تکنولوژی بهداشت و درمان برای بشر پیوسته است.

آرویند تریپاتی (Arvind Tripathy) معلم مدرسه در شهر صورتی جای پور هند مانند دیگر والدین می خواهد تا به کودک متولد نشده اش آینده ای بدون بیماری هدیه کند.

از آنجا که هند در مسیر پیشتازی تکنولوژی در درمان قدم بر می دارد، یکباره امر غیر قابل تصویری واقعاً در دسترس قرار می گیرد و تریپاتی قصد دارد تا با ذخیره سازی سلولهای بنیادی کودکش به رویای خود دست پیدا کند.

او به زودی به ردیف ۳۰۰۰۰ والدین دیگر در هند خواهد پیوست که سلولهای خونی بندناف نوزادانشان را ذخیره کرده اند تا به آنها راهی برای مبارزه با بیماریهای خونی، ژنتیکی و سیستم ایمنی برای بقیه ی زندگی نشان بدهند.

از سال ۲۰۰۱ میلادی، هنگامیکه اولین بانک سلولهای بنیادی در هند در شهر جنوبی چینایی (Chennai) توسط گروه علوم زیستی رلاینس (Reliance Life Sciences) «اعتماد به زندگی» راه اندازی شد و حالا بخشی از گروه رلاینس به رهبری موکیش آمبانی (Mukesh Ambani) است. منافع این تکنولوژی به هزاران نفر رسیده است. به سلولهای بنیادی برچسب کیت (جعبه) ابزار اصلاح طبیعی بدن انسان زده شده است. سلولهایی که از خون بند ناف در زمان تولد جمع آوری شده، عناصر سازنده ی خون و سیستم ایمنی بدن ما هستند و دارای قابلیت رشد در هر نوع سلول دیگری را دارند. آنها گلبولهای سفید را که با عفونت مبارزه می کنند، سلولهای قرمز که اکسیژن را حمل می کنند و پلاکت های خونی را می سازند که شفا بخشی را بهبود می بخشند.

سلولهای بنیادی موجود در مغز استخوان و بند ناف می توانند در سراسر زندگی مان سلولهای تازه ای به وجود آورند. سلولهای بنیادی خون بند ناف سالها در شمار روز افزون معالجاتی از جمله لوسیمی (Leukaemia) تومورهای بدخیم، بیماری های خونی و بیماری های





گلبول قرمز به کار رفته اند.

در چند سال گذشته بیش از ۱۰۰۰۰ بیمار در بیش از ۱۵۰ کشور با پیوند های سلول بنیادی خون بند ناف معالجه شده اند. در حال حاضر تحقیق درباره ی استفاده از سلولهای بنیادی برای معالجه ی بیش از ۸۵ بیماری در حال اجراست.

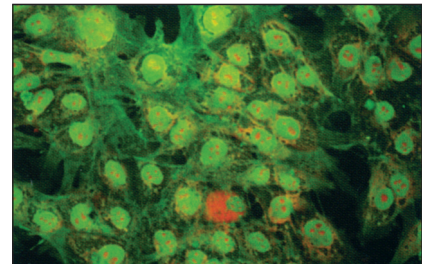
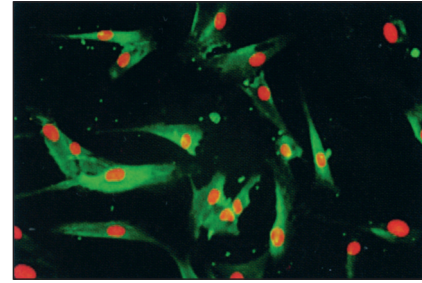
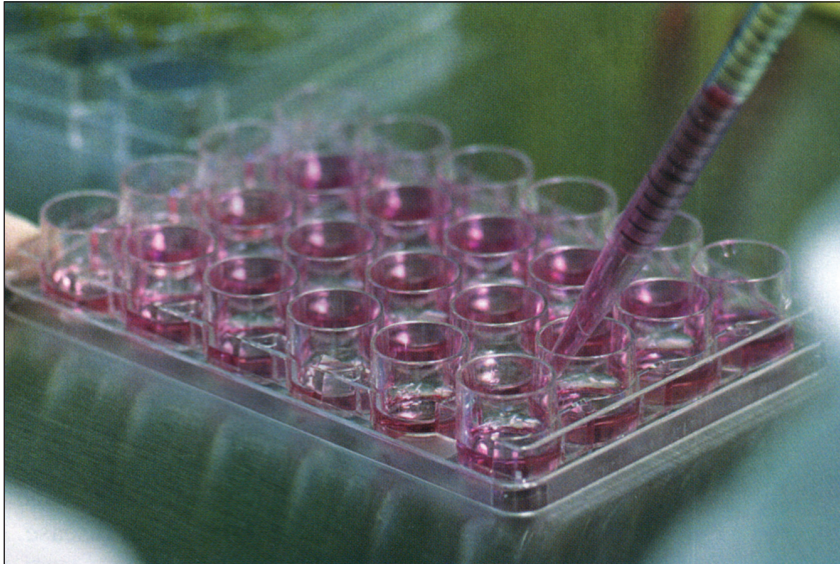
هند به سرعت پیش می رود.

گرچه هیچ تخمینی از حجم تجارت وجود ندارد ، کار ذخیره سازی سلول های بنیادی با شرکت های بین المللی مانند کرایو - سیو (Cryo Save) کرایو - سل (Cryo-Cell) و کرایو بانک (Cryo-bank) که شعبه هایشان را در قسمتهای مختلف کشور افتتاح می کنند، به سرعت در حال رشد است.

مایور آبھایا (Mayur Abhaya) رئیس و مدیر عامل شرکت بین المللی لایف سل (Life Cell International) می گوید: "هند با نرخ بالای زاد و ولد (۴۳ میلیون تولد در سال) برای تجارت ذخیره سازی سلول بنیادی دارای بازار بزرگی است. اگرچه در مراحل آغازین آگاهی درباره ی ذخیره سازی سلول بنیادی خون بند ناف در هند به سرعت پیش می رود، شرکت برای بیشتر مطلع ساختن مردم از منافع آن، با انجمن های متعدد پزشک زنان در کشور رابطه برقرار کرده است. هم چنین ما با بیمارستانها در کشور همکاری می کنیم تا به مادران حامله دسترسی پیدا کنیم و به آنان درباره ی منافع ذخیره سازی خون بند ناف مشاوره بدهیم."

او تخمین می زند که این کار با سرعت منظم ۲۵ تا ۳۰ درصد در سال در حال رشد است. شرکت اروپایی کرایو-سیو با درک پتانسیل زیاد در کار ذخیره سازی سلولهای بنیادی در هند، فعالیت هایش را در هند در دسامبر گذشته با سرمایه گذاری ۱۰ میلیون روپیه ای (در حدود ۲۰۶۰۰۰ دلار) آغاز کرد.

کیت های ذخیره سازی سلول بنیادی - که شامل کشت ، پردازش و ذخیره سازی بند ناف هستند - از حدود ۳۰۰ دلار تا حدود ۱۵۰۰۰ دلار بسته به نوع تسهیلاتی که ارائه می کند قیمت دارد. اگر چه قیمت آن بیش از حد گران نیست ، این تسهیلات برای بسیاری از هندیان قابل دسترس نیست. شرکت ها برای ایجاد توان خرید در مستطیع ساختن افراد دارای حقوق متوسط طرحهای اقساطی ( اقساط مساوی ماهیانه ) را ارائه می دهند. وی. آر. چاندرامولی (V.R. Chandramauli) مدیر عامل شرکت کرایو - سیو هند توضیح داد: زوج



علاقتمند به ذخیره سازی سلول بنیادی می تواند دو ماه قبل از برنامه ی زایمان با شرکت تماس بگیرد. مشاوران ما، با آنان تماس خواهند گرفت و به آنان درباره ی این کار راهنمایی خواهند داد. ما پس از ۲۱ سال کمترین هزینه ی سالیانه خواهیم گرفت تا آن را برای همیشه ذخیره سازیم. خانواده هایی که نمی توانند پول را در زمان تولد پرداخت کنند می توانند خون ناف را در بانک دولتی ذخیره کنند و سپس ترتیب انتقال آن را برای استفاده شخصی بدهند. بانکهای سلول بنیادی دولتی مانند بانکهای خون متعارف عمل می کنند. برای اهداء کردن به بانک دولتی هزینه ای وجود ندارد و مالکیت سلولها به شخص اهداء کننده تعلق ندارد. گیرنده ی ناشناس سلولهای بنیادی، هنگامیکه سلولهای بنیادی مناسب وجود پیدا می کند هزینه می پردازد.

آبها یا اظهار داشت: "در مورد بانک سلول بنیادی خصوصی، مشتری این حق را دارد که سلولهای بنیادی را پس بگیرد یا برای اعضای خانواده اش استفاده کند که برای این منظور پرداخت دوره ای یا یکباره وجود دارد که او باید بپردازد. این سلولهای بنیادی نمی توانند به شخص سومی فروخته یا منتقل شوند. از آنجائیکه انقلاب سلول بنیادی در هند قوت می گیرد. محققان در کشور همچنین به سمت درمانی پیشروی می کنند که دارای این توان است که معالجه ی بیماری انسان را کاملاً تغییر دهد".

مرکز زیست شناسی مولکولی و سلولی (The Center for Cellular and Molecular Biology) در شهر جنوبی حیدر آباد با دانشکده ی پزشکی دکن (Deccan) برای تحقیق سلول بنیادی کبد و با موسسه چشم ال. وی. پراساد (L.V. Prasad Eye Institute) برای رشد سلولهای قرنیه همکاری می کند. موسسه سراسری هند برای علوم پزشکی (All India Institute of Medical Sciences) در دهلی نو معالجاتی با استفاده از سلولهای مغز استخوان برای آسیب نخاعی، آسیب بافت قلبی، مرض قند و بعضی از بیماری های سطح چشم، سکتة مغزی و بیماری عروق محیطی ایجاد می کند. دانشکده ی پزشکی نیروهای مسلح (The Armed Forces Medical College) در شهر هند غربی، پونه، یکی از بزرگترین مراکز تحقیقاتی سلول بنیادی در آسیا را تاسیس کرده است. درمان سلول بنیادی به طور وضوح به عنوان معالجه ای برای آینده پدیدار می گردد و هند برای ذخیره سازی بهترین گزینه های درمانی برای انسان به بقیه ی دنیا پیوسته است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives شماره اول ۲۰۱۰ میلادی به نقل از خبر گذاری هند و آسیا (Indo-Asian News Service)



# سمینار راجع به فرصت های سرمایه گذاری در ایران

هشتم ژوئیه ۲۰۱۰ - فدراسیون اتاق های بازرگانی و صنعت هند، دهلی نو



اجلاس افتتاحی: ( از چپ به راست) دکتر امیت میترا، دبیر کل فدراسیون اتاق های بازرگانی و صنعت هند؛ جناب آقای سانجی سینگ، سفیر کبیر هند در ایران؛ جناب آقای شمس الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران؛ آقای بی.ام. بنسال، رئیس شورای مشترک هند و ایران و شرکت نفت هند (با مسئولیت محدود)؛ جناب آقای دکتر بهروز علیشیری، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران؛ جناب آقای سید مهدی نبی زاده، سفیر کبیر ایران در هند.

فدراسیون اتاق های بازرگانی و صنعت با همکاری سازمان سرمایه گذاری و همکاری اقتصادی و فنی ایران سمیناری راجع به "فرصت های سرمایه گذاری در ایران" در روز هشتم ژوئیه ۲۰۱۰م. / هفدهم تیر ۱۳۸۹ش. همزمان با شانزدهمین اجلاس کمیسیون مشترک که در دهلی نو در روزهای هشتم و نهم ژوئیه ۲۰۱۰م. / هفدهم و هجدهم تیر ۱۳۸۹ش. تشکیل

شد، برگزار شد. بیش از ۲۵۰ شرکت کنندگان از جمله شصت نفر از ایران بودند که بخش های مختلف بازرگانی و صنعت را نمایندگی می کردند در این سمینار شرکت کردند. سخنرانی اصلی سمینار را جناب آقای دکتر شمس الدین حسینی، وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران، ایراد کردند. از دیگر سخنرانان جناب آقای دکتر بهروز علیشیری، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان سرمایه گذاری و همکاری اقتصادی و فنی ایران، جناب آقای سانجی سینگ، سفیر کبیر هند در ایران، جناب آقای سید نبی زاده، سفیر کبیر ایران، جناب آقای بی. ام. بنسال، رئیس شورای مشترک بازرگانی هند و ایران و دکتر امیت میترا، دبیر کل فدراسیون اتاق های بازرگانی و صنعت هند قابل ذکر هستند.

جناب آقای دکتر شمس الدین حسینی در سخنرانی اصلی خود توجه را به تجارت دوجانبه بین هند و ایران که اکنون ۱۵ میلیارد دلار آمریکا است، جلب کرد و ادامه داده اظهار نمود که این امر امکانات توسعه بیشتری دارد. وی اظهار امیدواری کرد که حجم آن در مدت پنج سال آینده دو برابر خواهد شد و تأکید کرد که جلسات مرتب بین دو کشور انگیزه بخش تجارت و مبادلات بازرگانی ما بین دو کشور بود. وی این امر را برجسته ساخت که ایران قوانین و مقررات سرمایه گذارپسند را برای جلب و حفظ سرمایه گذاری های خارجی جایگزین کرده است. وی به بخش جهانگردی هر دو کشور که امکان قابل ملاحظه برای رشد و سرمایه گذاری متقابل عرضه می کنند، اشاره ای ویژه نمود.

سخنرانان دیگر تأثیر واردات نفت خام هند از ایران در بازرگانی دوجانبه را مهم خواندند و خواستار کار بیشتر هند با ایران در بخش انرژی شدند. نیاز برای وارد شدن در زمینه های جدید از جمله بخش های فناوری اطلاعات، شرکت های کوچک و متوسط، فرآورده های دارویی، ترانزیت و ترابری و غیره را مورد تأکید قرار دادند. اشاره ای ویژه ای به این امر شد که چگونه توسعه انرژی و زیربنایی هند برای سرمایه گذاری یا مشغولیت فرصت هایی برای کارآفرینان از خارج از جمله ایران را عرضه می کند.

برگزاری چنین سمینارهای سرمایه گذاری در چهار کشور - کره جنوبی، سنگاپور، مالزی و هند - در سال ۲۰۱۰م. و حضور جامعه بازرگانی ایران به نمایندگی بخش های نفت و گاز، پتروشیمی، صنعت فولاد، مشاوره ی زیربنایی، استخراج معدن، داروسازی، اتومبیل و قطعات خودرو مورد استقبال گرم قرار گرفت. بعداً در آن روز چهار گروه متخصصان راجع به نفت و گاز، پتروشیمی و فلزات لازم، اتومبیل، ترابری و ماشین آلات، مواد شیمیایی و فرآورده های دارویی، منسوجات و کشاورزی تشکیل شد و در آن بازرگانان ایران برای اجلاس های تجارت با تجارت با همتایان هندی خود ملاقات کردند. هیئت ایرانی جلسات بازرگانی داشتند و شب همان روز در ضیافت شامی که از طرف فدراسیون اتاق های بازرگانی و صنعت هند ترتیب داده شده بود شرکت کردند. در صبح نهم ژوئیه/ هجدهم تیرماه فدراسیون صنعت هند یک جلسه ی تجاری برای هیئت بازدید کننده تشکیل داد.

# میراث جهانی عدم خشونت گاندی

نویسنده: ساویتا سینگ (Savita Singh)

مهاتما گاندی نظریه ی عدم خشونت را به عنوان ابزاری فعال و مثبت برای حل صلح آمیز اختلافات بین المللی به دنیا آموخت. اعلام دوم اکتبر به عنوان روز بین المللی عدم خشونت توسط سازمان ملل تصدیق بر دیدگاهی است که توسط گاندی شکل داده شده.

مهاتما گاندی امروزه نه تنها برای نقش و سهم فوق العاده ای که در استقلال هندوستان بلکه برای هدف صلح جهانی داشته در خاطره ها مانده است. او به ما اصل عدم خشونت را نه برای تسلیم منفعلانه در برابر ظلم بلکه به عنوان ابزاری فعال و مثبت برای حل صلح آمیز اختلافات بین المللی، آموخت. او به ما نشان داد که روح انسان قدرتمندتر از قویترین سلاح ها است.

او با اعتقاد شدید در راستی و عدم خشونت توانست در تبدیل فعالیت های سیاسی به حرکت های عظیم که آن را ساتیاگراها (Satyagraha) می نامید، موفق شود.

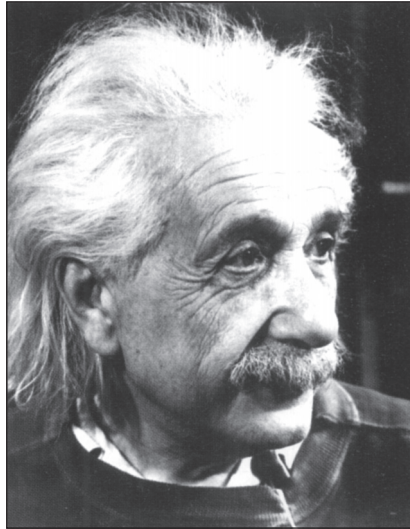
ساتیاگراها (Satyagraha) بر اساس عزت نفس و سعی و کوشش انسان استوار است که به تدریج به نظریه ی حرکت اجتماعی و سیاسی بدون خشونت که او در ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۶م. در آفریقای جنوبی آغاز کرد، تکامل یافت. واژه ی "ساتیاگراها" از سانسکریت آمده است. این یک واژه ی مرکب از ساتیا (Satya) و آگراها (agraha) ساخته شده. واژه ی ساتیا (راستی یا حقیقت) از واژه ی سانسکریت سات (Sat) به معنی بودن یا ابدی بودن است و آگراها به معنی محکم گرفتن و پیروی کردن. آنها با هم به معنی اصرار و تاکید بر حقیقت در هر شرایطی هستند.

سفر ساتیاگراها که از آفریقای جنوبی آغاز شد به سواحل داندی (Dandi)، به مزارع دَرَنَدشت گسترده در هفت صد هزار روستای هند و بعد به سواحل دوردست رسید. اصطلاح ساتیاگراها در زمان نهضت استقلال هند بسیار رایج شد و به قسمتی از لغت نامه ی سیاسی کشور تبدیل شده است.

این فقط آینده نگری بود که مهاتما گاندی را به آفریقای جنوبی، صحنه ی بزرگ عمل کشاند. مبارزه علیه تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی که توسط او آغاز شده بود توسط مردم آفریقای جنوبی به رهبری معجزه آسای نلسون ماندلا که مقام ممتاز اسطوره خود را ایجاد کرد به نتیجه ی منطقی رسید. نلسون ماندلا از باور راسخ پدر روحانی مارتین لوتر به اصول گاندی الهام گرفت.

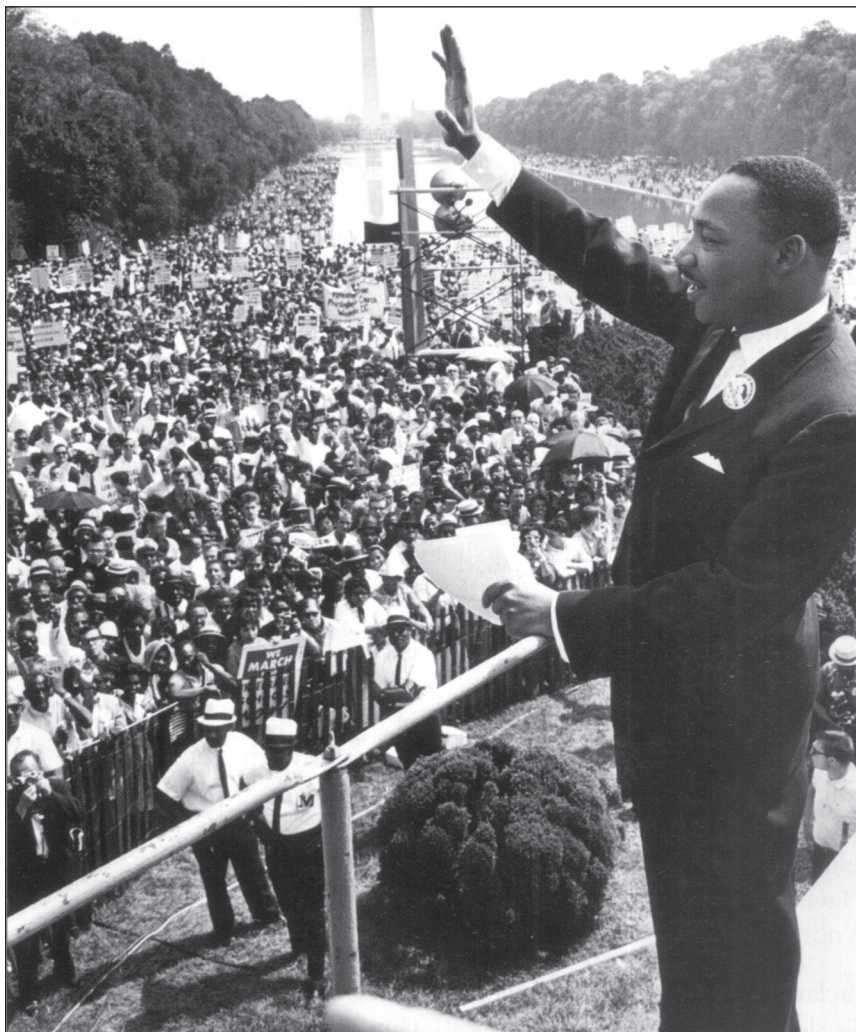
مارتین لوتر کینگ کوچک رهبر برجسته ی حقوق شهروندی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی ایالات متحده، در حال تحصیل برای کشیش شدن با آموزه های گاندی آشنایی پیدا کرد. این مرد مسحور فلسفه مقاومت مسالمت آمیز و عاری از خشونت شده بود. او دید که روش های اساسی گاندی تغییرات اجتماعی بزرگی در هندوستان ایجاد کرده بود و می اندیشید که آیا همان روش ها در کشور خودش مؤثر خواهد بود. کینگ از اینکه گاندی آموخته بود که خود را از نفرت مستبدان خود آزاد کند تحت تأثیر قرار گرفته بود. این فکر گاندی را تحسین می کرد که اگر خود را از خشم آزاد سازید می توانید برای تمام بشریت خوبی را به ارمغان بیاورید. گاندی این پیام مسیح را که "دشمن خود را دوست داشته باشید" به سطح جدیدی رساند.



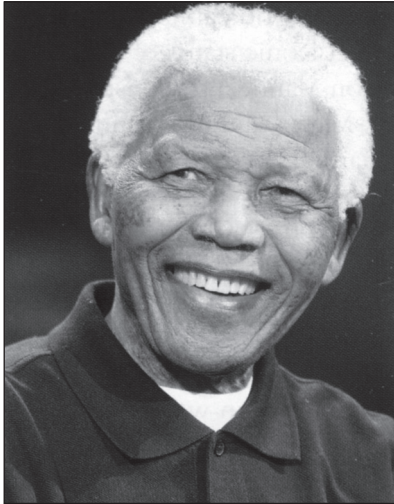


۱. آلبرت انیشتین

به گفته ی پدر روحانی مارتین لوتر کینگ کوچک، رهبر مبارزات حقوق شهروندی در ایالات متحده "انتخاب به هیچ عنوان بین عدم خشونت و خشونت نیست، بلکه بین عدم خشونت و نابودی است."



۲. دکتر مارتین لوتر کینگ کوچک (۱۹۲۹-۱۹۶۸م.) برای اجتماع بزرگ بیش از دویست هزار نفری پس از سخنرانی اش تحت عنوان "رؤیایی دارم" در واشنگتن در روز ۲۸ اوت ۱۹۶۳م.



۳. نلسون ماندلا

کینگ مدعی بود که گاندی نخستین کسی بود که به این حقیقت پی برد که "تاریکی نمی تواند تاریکی را بیرون راند فقط نور می تواند این کار را انجام دهد. نفرت نمی تواند نفرت را بیرون براند؛ فقط عشق می تواند آن را انجام دهد...". چیز جدیدی درباره ی نهضت ساتیاگراها ی مهاتما گاندی در هند این بود که او انقلابی را بر پایه امید و عشق، امید و عدم خشونت برپا کرد.

مانند گاندی و مارتین لوتر کینگ کوچک، نلسون ماندلای آفریقای جنوبی به دلایل شرایط استثنایی، رهبر شد. ماندلا، یک فعال سیاسی که ۲۷ سال در زندان سپری کرد، کمک کرد که آفریقای جنوبی را از تبعیض نژادی رهایی بخشد و در سال ۱۹۹۴م. نخستین رییس جمهور سیاه پوست آن کشور شد. شاید بزرگترین تأثیر آموزه های گاندی بر ماندلا و کنگره ملی آفریقا تحمل بود. حزب ماندلا هندوها، مسلمانان، مسیحیان و یهودیان را گرد هم آورد. این مردم گوناگون به وسیله یک هدف مشترک - آزادی از حکومت استعماری - متحد شده بودند. برای قابلیت او در پیدا کردن این وجه مشترک، همان طور که خود او می نامید، از ماندلا در سال ۱۹۹۳م. تقدیر به عمل آمد، تقدیری خاص - جایزه صلح نوبل. در سخنرانی پذیرش خود ماندلا کلمات گاندی را یادآور شد. او تأکید داشت که او "صرفاً نماینده ی میلیون ها مردم در سراسر جهان است که آسیب به یک نفر را آسیب به همه می دانند". او در سفر خود به هند در ۱۹۹۰م. به زودی بعد از آزادی از زندان گفت که "گاندی کلید آینده ی بشریت را در دست دارد، از او با تمام عزم خود پیروی کنید".

در قسمتی دیگر از این جهان در چکسلواکی یک پیرو و هوادار مهاتما گاندی "واکلاو هاول" تحسین جهانی را برای پیروی از عدم خشونت به عنوان وسیله ای برای تغییر اجتماعی-سیاسی به خود جلب کرد. در زمان واکلاو هاول روزهای سیاست های خودخواهانه پایان پذیرفت. هنگامی که هاول به عنوان مرد مطرح کشورش ظهور کرد، خصوصیات رهبری و دید او تخیل میلیون ها را در سراسر جهان جلب کرد. جای شگفتی نیست که برای خیلی از هموطنان مرد و زن او "هاول" و "چک" مترادف هم شدند. واکلاو هاول تحسین عمیق خود از اصل عدم خشونت گاندی را اذعان داشت. او به طور جدی باور داشت که "انقلاب مخملی چکسلواکی اگر از اعتراضات دومکراتیک مسالمت آمیز دوری می کرد به شکست منجر می شد". او اعتراف کرد که "بدون مثال گاندی من انگیزه ی درست را نمی توانستم داشته باشم".

اصل عدم همکاری بدون خشونت مهاتما گاندی - ساتیاگراها - ایده ی اصیل سیاسی است. خشونت به عنوان یک روش، تاریخ هزاران ساله دارد. عدم خشونت به عنوان یک فلسفه ی حرکت اجتماعی، در حال یادگیری اولین قدم ها است. آینده در مقابل همه ما است. آزمایش عظیم و ادراکات هنوز در راه است. جستجویی برای ارزش ها، هم اجتماعی و هم مذهبی که ما را به سمت گفتگوی مهاتما گاندی با راسکین، تولستوی و چندین متفکر دیگر و بعد ها پیروان گاندی مانند پدر روحانی مارتین لوتر کینگ کوچک، نلسون ماندلا و واکلاو هاول می کشاند، وجود دارد. چنین است غنای خارق العاده ی افکار گاندی که به طور مساوی برای جوامعی که در آستانه توسعه هستند و همچنین کشورهای که به چشم مترقی و توسعه یافته دیده می شوند، کاربرد دارد. گاندی خودش باور داشت که افکار او توسط مردمان در داخل و خارج هند مورد توجه قرار خواهند گرفت.



۴. واکلاو هاول

کلمات گاندی تأثیر ابدی گذاشتند، ولی او می خواست که کارهایش بیشتر به یاد بمانند: "نوشته های من باید با بدن من سوزانده شود. کاری که من انجام داده ام باقی خواهد ماند نه آن که گفته ام و نوشته ام".

مطمئناً میراث کارهای گاندی در نقاط مختلف جهان هنوز درک می شود. پیام بردباری و شفقت مهاتما گاندی حتی بعد از شصت سال از عزیمت او از بین ما معنای خاصی دارد.

مهاتما گاندی خود را به صورت انفرادی به خاطر اهداف والاتر آزادی و حقوق بشر فدا کرد. بعد از مرگ، او نمادی شد برای اصولی که برایشان زندگی کرد یعنی حقیقت و عدم خشونت. او احساس می کرد که هر دو برای دست یافتن به صلح جهانی لازم است. گاندی می دانست که بشریت به قدرت عظیمی برای رسیدن به این هدف نیاز دارد ولی او فکر کرد که این تلاش لازم است: "ما شاید هرگز انقدر قدرتمند نباشیم که در فکر، قول و عمل کاملاً مسالمت آمیز باشیم. ولی ما باید مسالمت آمیز بودن را هدف خود قرار داده پیشرفت مداوم را به سمت آن داشته باشیم... راستی چند نفر، به حساب خواهد آمد. نادرستی و دروغ میلیون ها مانند کاه در برابر باد ناپدید خواهد شد."

شاید، جهانی بدون جنگ، فقر، گرسنگی و نابردباری حقیقتاً امکان پذیر باشد. بارقه ی امیدی در افق دیده می شود. در ماه ژوئن ۲۰۰۷ میلادی، سازمان ملل دوم اکتبر، سالروز تولد مهاتما گاندی، را به عنوان روز بین المللی عدم خشونت اعلام کرد.

این تأیید اعتقادی است که آلبرت اینشتین در مهاتما گاندی داشت وقتی که گفت: "بباید هر آنچه در توان داریم انجام دهیم تا تمامی مردمان جهان مرام گاندی را به عنوان سیاست اصلی خود قبل از اینکه خیلی دیر بشود، بپذیرند."

همچنین اعتقاد ما را دوباره تأیید می کند که امروزه فلسفه ی مهاتما گاندی را به شکل تجربه ای زنده با قابلیت برای دگرگونی که منجر به یک آگاهی جهانی نسبت به عدم خشونت خواهد شد، می نگرند.

تمام زندگی او وقف هدف تغییر روحیه ی ابدی ساتیاگراها بود. این باید تلاش ما باشد که انعکاس دهیم که چگونه انقلابی عظیم تحت رهبری مهاتما گاندی بدون خشونت که در دیگر کشورهای آسیایی و آفریقایی رخ داد، به وقوع پیوست. این تلاشی است برای برگرداندن نور افکن به سمت خودمان برای یافتن جایگزینی برای خشونت که خود ساختار موجودیت متمدن را تهدید می کند. این یک فرایند گفتگو با آنهاست که جرأت کردند در راهی قدم زنند که مهاتما گاندی روشن نمود.

مهم تر از همه این یک ادای احترام خالصانه به آن دانشمند اجتماعی انقلابی، مهاتما گاندی، و پیام جاودانه ی او به انسانیت یعنی زندگی من پیام من است، می باشد.

انسانی ساده، آرام و نهیف اندام که در دلهای مردم بزرگ و قدرتمند شد، مهاتما گاندی خطر مقابله ی صلح آمیز را با ملت هایی که با سلاح ها مسلح و مملو از خشونت بودند درک می کرد - ولی او ترس و واهمه ای نداشت. از کودکی تا مرگ، او همیشه در ایمان خود آرامش و در حقیقت جرأت را می یافت.

"وقتی به دنبال صلح هستیم، حقیقت می گوید آن را از طریق من پیدا کن، وقتی که دنبال حقیقت هستیم، صلح می گوید آن را از طریق من پیدا کن."

ام. کی. گاندی

♦ نویسنده: مدیر گاندی سمیریتی (Gandhi Smiriti) و درشن سامیتی (Darshan Samiti) در دهلی نو است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، سپتامبر-اکتبر ۲۰۰۹م.

# روپیه هند دارای علامت می شود

## و

### به کانون پول های رایج تراز اول می پیوندد

روپیه هند به زودی دارای علامت اختصاری - ترکیبی از "را" (Ra در دیوناگری) و "آر" (R لاتین) - خواهد شد که به ارزشهای تراز اول که دارای هویتی متفاوت هستند مانند دلار آمریکا، یورو، پوند انگلیس و ین ژاپن خواهد پیوست.



علامت جدید برای روپیه هند توسط دی. اودای کومار (D. Udaya Kumar)، فارغ التحصیل موسسه ی فناوری هندوستان (Indian Institute of Technology) از مُمبئی طراحی شده است. دولت هند مسابقه ای برای طراحی علامت روپیه را اعلام کرده بود با شرط اینکه قابل کاربرد در صفحه کلیدهای استاندارد، خواه به خط زبان ملی یا نمایش دیداری باشد و باید عادات و رسوم تاریخی و فرهنگی کشور را نشان دهد.

وزیر اطلاعات و سخن پراکنی خانم آمبیکا سونی (Ambika Soni) در گفتگو با خبرنگاران راجع بع علامت جدید گفت: " این تقریری بزرگ بر روی پول رایج هند است... این علامت خصوصیت و هویت متفاوتی را به پول رایج می دهد و قدرت و سیمای جهانی اقتصاد هند را بیشتر نمایان می کند." او افزود که این علامت که منعکس کننده ی عادات و رسوم و فرهنگ قومی هند است، این پول را از روپی یا روپیه ی (Rupee or rupiah) دیگر کشورها مانند پاکستان، نپال، سری لانکا و اندونزی متمایز خواهد کرد.



# اهمیت پنج تنتر ( پنچا تنترا ) در ادبیات جهان و ترجمه های آن

نویسنده : دکتر انجم ضیاء الدین تاجی

مترجم : سید عبدالقادر هاشمی

کتاب پنج تنتر به معنی پنج اصل از نظر سبک Fable [حکایت یا داستان و قصه] است.

این کتاب نه تنها در هند معروف و مقبول است بلکه به خاطر سبک و شیوه ی خود امروزه نیز از مهمترین کتابهای جهان به شمار می رود. در اروپا به نام The Fables of Pilpay [حکایات پیلپای] معروف است. در ادبیات فارسی و عربی به نام کلیله و دمنه شهرت دارد. پنج تنتر در واقع برای آموختن اصول به پادشاهان و سیاستمداران به تحریر در آمده است. حکایت های آن به جای ایثار و قربانی ، درس عیاری و مکاری را می آموزند. در این کتاب سبب تالیف آن را چنین بیان کرده اند که مولف هشتاد ساله ی آن و یشنو شرما آن را به فرمان امر شکتی (Amar Shakti) یکی از راجاهای جنوب برای تعلیم و آموزش سه فرزند تنبل و سر به هوای خود به رشته ی تحریر در آورده بود.

اما راجع به مؤلف و سال تالیف پنج تنتر اختلاف نظر شدید در موارد متعدد وجود دارد.

مترجم زبان مراتی آن جوشی (Joshi) معتقد است که همان گونه که در داستان های پنج تنتر نام های شخصیت ها تخیلی است ، شخصیت مولف آن ویشنو شرما نیز تخیلی و غیر حقیقی به نظر می رسد<sup>۱</sup>. ویشنو شرما را در ترجمه های فارسی بیدپای نوشته اند و در اروپا به نام پیل پای معروف است. سرویلیام جونز حقیقت این نام را بر ملا کرده گمان می کند که « این نه بید پا (دارای پای بید) است و نه فیل پا ( دارای پای فیل)». تلفظ صحیح آن را می توان از این نظر کاشفی حدس زد که او طبیعی مقبول بود و بنا براین باید در زبان سنسکریت بیدیا پریا (Baidyapriya) باشد.<sup>۲</sup>

معمولاً در این باب همه اتفاق رای دارند که نسخه ی اصل پنج تنتر از دستبرد زمان محفوظ نماند. سال تألیف آن نیز به درستی معلوم نیست. گمان می رود که این کتاب در زمانی بین سالهای ۱۰۰ و ۳۰۰ قبل از میلاد مسیح نوشته شد.<sup>۳</sup> در این مورد آلبرت بی کیث (Albert B. Keith) نظرش بر این است که این کتاب شاید در عصر خانواده ی گپت (Gupt) پس از احیای برهمنیسم (Brahmanism) نوشته شده باشد.<sup>۴</sup>

این حکایت ها بدون شک یک حلقه ی طلایی ادبیات کلاسیکی سنسکریت است. دراین امر هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد که چنین آفرینش ادبی نمونه که از آن نسخه های گوناگون پنج تنتر به منصفه ظهور رسیده، نمونه ای از زیبایی ادبی است. با دلایل می توان گفت که در نیمه ی اول قرن دوم میلادی سنسکریت دوباره مقام زبان درباری را بدست آورد. طبقه ی حاکم نیاز کتابهای ساده و روان را احساس کرد تا به وسیله ی آن از اندیشه های سیاسی و اصول و قوانین نظم و انضباطی که طبقه ی برهنم تدوین کرده بود آگاه شود و در آن درس گران بهای علم اخلاق نیز شامل باشد. امکان دارد که دراین باب کوشش های مختلفی انجام گرفته باشد اما تنها پنج تنترا ماندگاری را بدست آورد اما متأسفانه نسخه ی اولیه ی آن نیز امروزه در دست نیست.

برخی از پژوهشگران ایرانی معتقدند که در پنج تنتر جلوه ای از آموزه های بودا دیده می شود. جوشی این را رد کرده می نویسد که در پنج تنتر ذکری که از پیروان بودیسم و جینیسم (Jainism) آمده بر علیه آنهاست چون مولف پنج تنتر یک هندوی راسخ العقیده ی سناتنی بود. او با هوش بود و تسلط کامل بر زبان سنسکریت داشت.<sup>۵</sup>



## حکایت (Fable)

پنج تنتر مجموعه ای از حکایات است. در زبان انگلیسی حکایت را Fable می گویند در حالی که در زبان هندی برای آن اصطلاح نیتی کتها (Nitikatha) مورد استفاده قرار گرفته است. Fable از واژه ی Fabla در زبان لاتینی مشتق است. به معنی داستان و این از fari به معنی گفتن (to speak) درباره ی آغاز حکایت های اخلاقی به طور کلی پذیرفته اند که در سرزمین هندوستان آغاز گردید و از این جا در تمام جهان رواج یافت. در این مورد ماکس مولر و شرق شناسان دیگر مثلاً ایمانوئل کاسکین (Emanuel Cosquin) و رهیس داوید (Rhys David) اذعان داشته اند که داستان های اخلاقی از سرزمین هندوستان در دنیا گسترش یافت.<sup>۶</sup>

سر ویلیام جونز پنج تنتر را ستوده ، نوشته است :

“The fables of Vishnuserman whom we ridiculously call Pilpay are the most beautiful, if not the most ancient collection of apologues in the world.”<sup>7</sup>

## سبک

از همان قدیم الایام برای اثبات اصول و ضوابط و وضاحت روش های عمل بر آن ها از داستان ها استفاده شده است. همچنین برای تفهیم بهتر اصول و ضوابط و مقبول و پسندیده ساختن و یاد دادن آنها استفاده از شعر نیز رایج بوده است. ویشنو شرما ، چه این نام حقیقی او باشد یا نام مستعار، شیوه و سبکی را که برای آموختن امور مختلف به فرزندان راجا برگزید بسیار موثر است. اگر او به طور مستقیم طبقه ی حاکم و یا طبقاتی را که در جامعه اثر و نفوذ دارند ، مورد انتقاد قرار می داد ، پیش از پایان تعلیمات کار او را به اتمام می رساندند. به نظر ما این نیز یکی از علت های مهم است که از داستان و قصه کمک گرفته شده تا هم حقیقت بیان گردد و از عواقب بد نیز بتوان در امان ماند.

این نیز یکی از جنبه های مهم پنج تنتر است که در آن سعی شده مردم مستضعف را نیز بیدار کند، داستان شیر و خرگوش به همین نکته اشاره دارد که اگر توانایی و جرئت از بین بردن قوی و توانا وجود ندارد ، اورا با زرنگی و هوشیاری از بین ببرید. تبلیغ چنین اندیشه ی انقلابی به طور حتم غیر قابل تحمل می بود اما مولف پنج تنتر موفق شد که آن را به وسیله ی داستان عرضه کند. او مهمترین کاری که انجام داد این بود که سیاست را به سطح مردم رساند. در این کتاب پند و اندرز هم برای راجاست و هم برای عامه ی مردم و او گاه گاهی اصلی را بیان می کند که برای هر دو قابل عمل است مثلاً :

“sarv nashe samutpatre ardh tajjati pandita, ardhnan karroote karya sarvansho hi du saha”

یعنی با ظهور آثار نابودی کامل ، پاندیت ها نصف را رها می کنند و به نصف قناعت می کنند چون نابودی کامل غیر قابل تحمل می باشد. این بیان برای راجا و مردم هر دو است. بعضی از اصول چنین است که فقط برای عامه ی مردم است. پیش از پنج تنتر نیز در وید ها و برهمن ها اصول و ضوابط به همین صورت عرضه شده است اما تفاوت مهم بین آن ها این است که در ویدها و برهمن ها آن ها را برای طبقه ای مخصوص ارائه کرده اند و مردم عامی را مستحق آن ندانسته اند. به خاطر این اهمیت از زمان قدیم به زبان های مختلف ترجمه شده است.

## نخستین ترجمه پنج تنتر

در زمان خسرو انوشیروان یعنی در قرن ششم هجری پنج تنتر با وسیله ی برزویه طبیب از هند به ایران رسید. در این مورد سه روایت وجود دارد. بین دو تا از آنها کمی فرق وجود دارد. یکی از آنها را تعالی در تاریخ خود بیان کرده است که در دربار انوشیروان جمعی ۲۵ طبیب یونانی ، هندی و ایرانی بودند. از پزشکان ایرانی برزویه از همه معروفتر و طبیبی بود که همواره غرق در مطالعه بود. او در کتابی خواند که در کوهی مخصوص در هند گیاهی شگفت انگیز وجود دارد با این ویژگی که با آن می توان مرده را زنده نمود. فکر پیدا کردن و بدست آوردن آن در دلش جای گرفت. بالاخر او هدف خود را برای انوشیروان بیان کرد و از او اجازه خواست. انوشیروان نه تنها این که به برزویه

اجازه داد بلکه برای راجای هندوستان معرفی نامه ای هم داد. راجا در مورد برزویه فرمان صادر کرد که هر گونه کمکی به او (برزویه) داده شود. اما او با وجود جست و جوی بسیار در پیدا کردن چنین گیاهی ناموفق ماند. او بی اندازه نا امید گشت و فکر مراجعت دست خالی نیز سخت آزارش می داد. او از مردم پرسید بزرگترین طبیب هند کیست؟

نشانی او را دادند و او پیش او رفت و از آن شخص کهن سال درباره ی این گیاه پرسید. آن پیرمرد پاسخ داد که « این اشاره ای از قدماست. مقصود از کوه ها اهالی علم و فضل هستند ، منظور از دارو حرف های آن هاست و مقصود از مرده ها افراد جاهل و نادان هستند. معنی اش این است که از گفتگوی اهالی علم و دانش جهل جاهلان از بین می رود و آنان علم یعنی حیات بدست می آورند. کتابی است مبنی بر این سخنان که نام آن کلبله و دمنه است و پادشاهان هند آن را در خزانه های خود نگه داری می کنند ، برزویه با شنیدن این سخنان بسیار شادمان گردید و به خدمت راجا رسیده به عرض رساند که اگر شما آن کتاب را مرحمت فرمائید انوشیروان با مطالعه ی آن نه تنها این که خوشحال خواهد شد بلکه از شما تشکر و سپاس هم به عمل خواهد آورد. راجا گفت که این را همیشه جلوی من بخوانید اما اجازه ی نسخه برداری از آن را ندارید و برزویه هر روز به دربار می آمد و آن مقدار که می توانست از بر می کرد و هنگامی که به اقامتگاهش می رفت آن را یادداشت می کرد. وقتی از این کار فراغت یافت از راجا اجازه خواست که به وطن بازگردد. راجا نه فقط این که اجازه داد، او را با انعام نیز سرافراز کرد. او پس از رسیدن به ایران تمام جزئیات را برای انوشیروان بیان کرد و او بسیار شادمان گردید. او برزویه را با انعام و اکرام نواخت و به وزیر خود بوزرجمهر دستور داد که این کتاب را به فارسی ترجمه کند. برزویه با نهایت عجز و انکسار گفت که در آغاز این کتاب شرح حال زندگانی او و جزئیات این سفر نیز بیان گردد. انوشیروان برای این امر رضایت داد.

**روایت دیگر:** در این باب استاد سعید نفیسی روایتی ارائه کرده اند که فرمانروای کابل که از پیروان مذهب بودائی بود پس از فتح این شهر در جنگ هیاطله<sup>۸</sup>ی انوشیروان "کلبله و دمنه" را که به زبان هندی به نام بید پای معروف بود با کشکول بودا و غنائم دیگر به او هدیه نمود و این کتاب به دستور او ترجمه شد. اما متأسفانه ایشان برای آن هیچ مرجعی را ذکر نکرده اند بنابراین شایسته به نظر می رسد که روایت فوق الذکر را بپذیریم.<sup>۹</sup>

### نخستین ترجمه های پنج تنتر

چنان که قبلاً نوشته شده است پنج تنتر را قبل از همه برزویه طبیب به زبان پهلوی برگرداند. امروزه ترجمه ای دیگر از همان زمان در دسترس است که به زبان سریانی است. این ترجمه را یک ایرانی به نام « بود » در سال ۵۷۰ میلادی انجام داد یعنی نه سال قبل از مرگ انوشیروان. جالب این است که تا سال ۱۲۸۷ میلادی هیچ کس از نسخه اطلاعی نداشت. در سال مذکور از یکی از معابد شهر ماردین آسیای کوچک این نسخه بدست آمد. خاور شناس آلمانی بیکل (Bickell) آن را در ۱۲۹۳ ه.ق برابر با ۱۸۷۶ میلادی در لایپزیگ منتشر نمود. یک خاور شناس دیگر آلمانی بینفی (Benfey) مقدمه ای محققانه نوشت و در آن این نسخه را با نسخه ی این مقفَع مقابله نمود و اختلاف موجود در آنها را ارائه کرد.<sup>۱۰</sup>

در حالی که دنیسون راس (Denison Ross) ادعا کرد که در پهلوی از اول نسخه ای از کلبله و دمنه وجود نداشت و برای اثبات این ادعای خود شواهد زیر را ارائه کرده است :

۱ - ابن مقفَع این امر را ذکر نکرده که او این کتاب را از چه زبانی ترجمه کرده است؟

۲ - در نسخه ی قدیم سریانی باب برزویه موجود نیست.

۳ - عبدیشوع که به اواخر قرن هفتم [ه.ق] تعلق دارد ، فهرست کتب تدوین کرده است و در آن نوشته است که «بود» کتاب کلیگ و دمنگ را از هندی به سریانی ترجمه کرد.<sup>۱۱</sup>

این نظر خاور شناس دانشمند دنیسون راس را جناب عباس اقبال آشتیانی به طور مفصل رد کرده است و از خود متن نسخه ی عربی کلبله و دمنه شواهدی چند ارائه کرده است که از آن به اثبات می رسد که نسخه ی پهلوی آن موجود بوده باشد. مثلاً این نکته نه در یک

جا بلکه در دو سه جا آمده است که این کتاب از زبان هندی یعنی سنسکریت به فارسی یعنی پهلوی ترجمه شده است.<sup>۱۲</sup> مهمترین دلیل خود نسخه ی سریانی است که در آن واژه هایی نقل شده که از زبان پهلوی است. مثلاً کلیله و دمنه نام های دو شغال است و نام های سنسکریت آن کرتک و دمنک (Kartak and Damnak) به پهلوی « کلیگ و دمنگ » شده است. همین صورت در سریانی نیز باقی است. همچنین در « باب البوم و الغرابان » چشمه ای ذکر شده که نام سنسکرین آن « چَندَر بَمب » است. در نسخه ی سریانی نام آن « ماهخانی » است که ترکیبی پهلوی است و این امر به اثبات می رساند که نسخه ی سریانی از ترجمه ی پهلوی آن ترتیب یافته است. به همین صورت در «باب الاسدو الثور» در حکایت "اشرف طیور" ، سیمرغ ذکر شده است. نام آن در سنسکریت گَرور (Garoor) آمده است در حالی که در ترجمه ی سریانی سیمرغ نوشته شده و این دلیل آن است که نسخه ی سریانی ترجمه ی نسخه ی پهلوی است. اگر «بود» آن را مستقیماً از سنسکریت ترجمه می کرد برای چه نام های پهلوی را به جای نام های سنسکریت می نوشت. ابن مقفع در عربی کلیگ و دمنگ را به کلیله و دمنه تغییر داد. او این تغییر را طبق این اصول انجام داد که واژه های پهلوی که به کاف فارسی یعنی گ ختم می شوند آنها را در عربی به « ها » عوض می کنند. مثلاً نامگ به نامه ، تگ به ته و غیره به همین گونه ابن مقفع ماهخانی را "عین القمر" و سیمرغ را "عنقا" ترجمه کرده است.<sup>۱۳</sup>

### ترجمه های فارسی

مسئولیت ترجمه ی مجدد آن به فارسی را نخستین بار ابو نصر منشی به عهده گرفت و او ترجمه ی ابن مقفع را به فارسی نیز به نام کلیله و دمنه برگرداند. اما مولانا حسین واعظ کاشفی آن را به نام "انوار سهیلی" ترجمه کرد. یک قرن بعد از کاشفی به دستور اکبر شاه وزیرش ابوالفضل علامی این کتاب را به صورتی تازه به نام "عیاردانش" عرضه کرد. علاوه بر این به دستور همین پادشاه، مصطفی خالقداد عباسی از سر نو پنج تتر را از سنسکریت به فارسی ترجمه کرد. این ترجمه را جناب پرفسور امیر حسین عابدی تدوین کردند و تحت عنوان "پنچا کیانه" از دانشگاه علیگره منتشر کردند.<sup>۱۴</sup>

### ترجمه پنج تتر به زبان های دیگر جهان

ادوارد ایست ویک (Edward B. Eastwick) مترجم عربی انوار سهیلی در این مورد در مقدمه ی خود اطلاعات مفیدی گرد آورده است. علاوه بر این تدوین کننده ی متن سنسکریت پنج تتر فرانکلین ادگرتون (Franklin Edgerton) می نویسد که در بین کتابهای غیر دینی تنها کتاب پنج تتر است که به شصت زبان ترجمه شده است. از آن جمله در بعضی زبان ها بیش از یک نسخه وجود دارد و بنابراین در جهان دویست نسخه ی پنج تتر یافت می شود.<sup>۱۵</sup> پس از عربی و فارسی در زبانهای جهانی که نسخه های پنج تتر در آن ها یافت می شود، زبان یونانی شامل است. این ترجمه در قرن یازدهم به دستور پادشاه الکزیس کامنینز (Elexis Commenes) انجام گرفت .

جنبه جالب و مهم آن این است که در آن به جای نام های شرقی نام های یونانی مورد استفاده قرار گرفته است. بعد از آن ترجمه ی عبرانی ربی جوئیل است. درباره ی مترجم آن چیزی با وثوق و اطمینان نمی توان گفت. مولوی حافظ الدین به توصیه ی دکتر گیل کریست و به گمان قوی با کمک "عیار دانش" در سال ۱۸۰۳ میلادی به عنوان "خرد افروز" به زبان اردو ترجمه کرد که به زبانی بسیار ساده و روان است و برای محصلان خیلی سودمند است.

ترجمه ی ترکی کلیله و دمنه در عهد خلیفه سلیمان اول یعنی در قرن دهم هجری قمری انجام گرفت. این ترجمه خیلی خیلی نزدیک به انوار سهیلی است و این فرق دارد که به جای شعرهای فارسی شعرهای ترکی کلیله و دمنه در عهد خلیفه سلیمان اول یعنی در قرن دهم هجری قمری انجام گرفت. این ترجمه خیلی نزدیک به انوار سهیلی است و این فرق دارد که به جای شعرهای فارسی شعرهای ترکی مورد استفاده قرار گرفته است. در زبان ترکی ترجمه های دیگری نیز از این کتاب یافت می شود. این شاهکار جمالی است.

### ترجمه ها به زبان های اروپایی

پنج تتر با کمک ترجمه ی زبان عبرانی به زبان لاتینی ترجمه شد. این ترجمه را John of Capua در قرن پانزدهم [میلادی] انجام

داد و با نام Directorium Humanae Vitae, alias Parabole Antiquorum Sapientum به زیور طبع آراسته شد. بعد از آن به زبان های متعدد اروپایی مثل ایتالیایی، اسپانیایی و آلمانی ترجمه شد. این کتاب با کمک ترجمه ی ایتالیایی که آن را «دونی» انجام داده بود به زبان انگلیسی ترجمه شد که در سال ۱۵۷۰ م به چاپ رسید. یک نسخه ی یونانی آن با کمک عربی آماده شد که آن را در ۱۶۹۷ م. استار کیس ویرایش نموده به زبان لاتینی حواشی نوشت و آن را چاپ کرد. داوید سید اصفهانی در سال ۱۶۴۴ م. چند حکایت انوار سهیلی را تحت عنوان "Le Livre des Lumieres (Anwar-i-Suhaili) on la conduite de Royes" به فرانسه ترجمه کرد اما این کار او زمانی مقبول شد که مترجم الف لیلی، گلاند ترجمه چهار باب اول آن را با کمک ترجمه ی ترکی علی ثعالبی انجام داد. ده باب باقیمانده آن را Cardonne، استاد فارسی رویال کالج (Royal College) تحت عنوان "Contes et Fables Indiennes" ترجمه ی انگلیسی آن با کمک ترجمه ی فرانسه تحت عنوان "de Bidpai et de Lokman, traduites d'Ali Tchelebi ben Saleh, auteur Turc Instructive and Entertaining Fables of Pilpay, an ancient Indian" انتشار داد. ترجمه ی انگلیسی "Philosopher" انجام گرفت. پنجمین چاپ آن در سال ۱۷۷۵ م. انتشار یافت. علاوه بر این داستان های پنج تنتر به طور شفاهی و با ادبیات قدیم ژاپنی به اندونزی نیز رسید. در هند در قرن دوازدهم میلادی نارایان آن را به نام « هیتو پادیش » ( اندرزهای خوب ) دوباره تدوین نمود.

پاورقی ها:

- ۱ - ترجمه ی زبان مراتی پنج تنتر، مترجم: کی. ای. جوشی و آر. آر. پیتھی، صفحه ۷
  - ۲ - The works of Sir William Jones, Vol. XIII, London, 1807, P.1
  - ۳ - Encyclopedia Britanica-Internet
  - ۴ - Classical Sanskrit Literature, A.B. Keith, Tr. Shri Charu Chandra Shastri, Varanasi, 1967, P.165-166
  - ۵ - ترجمه ی مراتی پنج تنتر، مترجم: کی. ای. جوشی و آر. آر. پیتھی، صفحه ۷
  - ۶ - The Retrospective Review and Historical and Antiquarian Magazine, Vol.I, 1828, P.225
  - ۷ - همانجا، صفحه ۲۲۷.
  - ۸ - سبک شناسی، ملک الشعراء بهار.
  - ۹ - در لغت نامه دهخدا معانی متعدد هیاطله بیان شده است. به استناد مهذب الاسماء نوشته است که مقصود از آن گروهی از اهل هنود است. [www.loghatnameh.com](http://www.loghatnameh.com)
  - ۱۰ - شرح حال عبدالله بن المقفع، استاد عباس اقبال آشتیانی، صفحه ۷۳
  - 11-Denison Ross, P. XI-XII
  - ۱۲ - Kalila and Dimna or The Fables of Bidpai, Translated by: Rev. Wyndham Knatchbull P.30 & 40-41
  - ۱۳ - شرح حال عبدالله بن المقفع، استاد عباس اقبال آشتیانی، صفحه ۷۶
  - ۱۴ - فارسی نثر کی تاریخ [تاریخ نثر فارسی]، مترجم: شریف حسین قاسمی، صفحه ۳۳
  - ۱۵ - The Pancatantra, I-V, Franklin Edgerton, Poona, 1930, P.3
- نشانی ای میل نویسنده که رئیس بخش فارسی جی. اس. کالج کهام گانو، (مهراشتر)، هند هستند از این قرار است: [zia\\_taji@yahoo.com](mailto:zia_taji@yahoo.com)

● منبع: این مقاله از مجله زبان اردو به نام "آجکل"، شماره ماه آوریل ۲۰۱۰ م. ترجمه شده است. (هاشمی)

# تجربه ای منحصر به فرد در چشم پزشکی از راه دور

چشم پزشکی از راه دور امید تازه ای در جلوگیری از نابینایی نوزادی در مناطق روستایی هند فراهم می کند.

امروزه بیماری زود هنگام شبکیه (Retinopathy of Prematurity=ROP) دلیل اصلی نابینایی نوزادان است. طبق سازمان بهداشت جهانی معتقدند کشورهایی با درآمد متوسط مانند هند در میان سومین اپیدمی بیماری زود هنگام شبکیه باشند.

ارقام خودشان گویا هستند. بیش از ۲۷ میلیون تولد زنده هر ساله در هند ثبت می شود و بیش از ۸/۴ درصد این ولادت ها ، تولد هایی با وزن کم زیر ۲۰۰۰ گرم است. بیش از ۴۷ درصد این تولدهای کم وزن و نوزادان زودرس دارای فاکتورهای بسیار خطرناک نابینایی نهفته بیماری زود هنگام شبکیه هستند. نزدیک به پانزده درصد این نوزادان ممکن است به معالجه احتیاج داشته باشند. با کمتر از ۳۰۰ جراح شبکیه و کمتر از ۲۰ جراح شبکیه اطفال ، معاینه (و معالجه) این نوزادان به ویژه در محیط های غیر شهری ، چالشی پاسخ داده نشده است.

برای رسیدگی به این موضوع ، موسسه ی فوق لیسانس چشم پزشکی نارایانا نترالایا (Narayana Nethralaya Postgraduate Institute of Ophthalmology) ، سومین مرکز اصلی مراقبت های چشمی در بنگلور تجربه ای منحصر به فرد در چشم پزشکی از راه دور به نام Karnataka State Internet Assisted Diagnosis of ROP (تشخیص اینترنتی بیماری زود هنگام شبکیه ایالت کرنااتک) در طول دو سال گذشته انجام داده است. تحت سرپرستی دکتر آناند وینیکار (Anand Vinekar) که رئیس بخش شبکیه اطفال موسسه است ، متخصصان آزموده مجهز به دوربین دیجیتال بزرگ و قابل حمل شبکیه اطفال (Retcam Shuttle) به هفت ناحیه کارنااتک جنوبی سفر می کنند تا از این نوزادان زودرس تصویر برداری کنند و این تصاویر را ذخیره ، پردازش و تجزیه و تحلیل کنند. متخصصان با استفاده از وب پیشرفته ی ساخت کشور بر روی سکوی تله روپ (Tele-ROP) با کارشناسان روپ (ROP) که در هر جایی باشند برای تأیید این الگوی منحصر به فرد هماهنگ شوند تا نیازی برای حضور فیزیکی متخصصان در نواحی روستایی برطرف گردد.

تا کنون بیش از ۲۱۰۰ نوزاد از بیش از ۲۰ مرکز مراقبتهای نوزادان که شعاع ۳۵۰ کیلومتری را پوشش می دهد ، معاینه شده اند. بیش از







۲۳۰ نفر از این نوزادان تحت درمان بازگشت بینایی بدون اینکه مجبور باشند تا کودک را به شهر منتقل کنند قرار گرفته اند. بیش از ۸۰ درصد معالجات کاملاً رایگان یا با هزینه های یارانه ای انجام شده است. اخیراً هیأت ملی بهداشت روستائی (National Rural Health Mission) حمایتش را از این پروژه با گنجاندن شش ناحیه ی بیشتر در شمال کارناتک گسترش داده است.

از سال ۲۰۰۹ میلادی با کمک یک شرکت بومی به نام i2i Tele Solution راه حل‌های از دور تصاویر گرفته شده در مناطق روستائی اکنون در کاربرد نرم افزار طراحی شده مخصوص Apple iPhone دریافت می شوند. حالا متخصصان می توانند تشخیص ها و گزارش را به طور مستقیم با استفاده از شبکه GSM انجام دهند که وابستگی به سرعت متغیر اینترنت را نیز کاهش می دهد. دکتر آناند وینیکار (Dr. Anand Vinekar) اظهار داشت: " ما در مرحله ی گسترش هستیم. برخی ایالت‌های دیگر در هند و همچنین برخی کشور ها در شمال شرقی آسیا و آفریقا برای الگو ی ما علاقه زیادی نشان داده اند".

با افزایش حیات نوزادی ، نوزادان روستائی و نیمه شهری نیز مانند هم‌تایان مستقر در شهرشان در معرض خطر روپ ROP رو به گسترش هستند. در این برههٔ زمانی به نظر می رسد که تله - روپ Tele-ROP بهترین گزینه برای رسیدن به استاندارد مراقبتی از این شهروندان کوچک و با ارزش باشد.

♦ بر اساس اطلاعات فراهم آورده شده از موسسه عالی چشم پزشکی نارایا نا نترالایا ، بنگلور

● منبع : مجله انگلیسی India Perspectives ، نوامبر ۲۰۱۰ میلادی.

# صنایع دستی دوکرا به فراسوی زمان پیش می رود

نویسنده: ریکها شانکار (Rekha Shankar)



زیبایی هنرمندانه صنایع دستی دوکرا (Dhokra) در برابر آزمون زمان سربلند بیرون آمده است و به عنوان یکی از قدیمی ترین روشهای معروف ریخته گری فلز غیر آهنی شناخته شده برای تمدن بشری در حال رشد است و زمینه های تازه ای را می گشاید.

موزاییک خلاق فرهنگی کشوری با نام هند، تاریخ ثبت شده ی بیش از ۵۰۰۰ ساله دارد و یکی از نخستین تمدن های بشری است، مردم این سرزمین باستانی در طول سالها مهارت ها و فنونی را تکامل دادند که از نسلی به نسل دیگر با سنت شفاهی و فعالیت های جامعه و خانواده رسیده اند. صنعتگران هندی با دستا نشان کار کرده اند و برای استفاده یا پرستش با مواد محلی و تصاویر از دنیای اطراف خود اشیای زیبایی به وجود آوردند. این محصولات استادانه به شکل سنتی یا هنر های زیبا بسته به جامعه ی صنعتگر به وجود آمده اند. این مواد خاک رس، فلز، چوب، نخ رسیده شده دستی بوده اند - بافنده، سفالگر، آهنگر یا نجار بخش تشکیل دهنده ی جامعه ی محلی بود.

استفاده از فلز در هند میتواند به دوران ودیک (Vedic) باز گردد. فلز کار به نام کارمارا (karmara) از موقعیت بالایی در جامعه برخوردار

بود. در یجورودا (Yajur Veda) به رودرا (Rudra) خدای رعد و برق اشاره شده است که به خانواده ی کارمارا احترام می گذارد. فلز کاری مانند دیگر فعالیت های هنری ریشه ی مذهبی دارد. در حقیقت قبل از این که یک صنعتگر شروع به کار کند برای راهنمایی از تواسترام (Tvastram) پسر ویسوا کراما (Visvakarma) دعا می کند که در مهابهارات، حماسه ی هندو ها، به عنوان الهه ی هنرها عامل اجرای هزاران صنایع دستی توصیف شده است. فلز ها برای هندوی معمولی دارای اهمیت مذهبی هستند و نمادهای فلزی در معابد خانوادگی یا عبادتگاه ها در خانه ها در سراسر کشور قرار دارند. فلز کاران هندی بیش از دو هزار سال پیش در زمینه ی متالورژی (فلزشناسی) پیشرفت کردند.

آنها در تولید فلز برنج ، آلیاژ فلزهای اصلی که تقریباً شبیه طلا به نظر می رسد، موفق شدند. برنج با ذوب کردن روی و مس که در صد روی می بایست بین ۱۰ تا ۱۲ درصد کنترل شود ، بدست آمد. محصول با ارزش دیگر آلیاژ فلزی به نام پنج دهاتو (Panchdhatu) بود که از ۵ فلز ، مس ، روی ، طلا ، نقره و سرب ساخته شد و برای ساخت بتهای مذهبی تا به حال فلزی متداول بوده است. فلز برنج و مفرغ نیز فلزی متداول برای ریخته گری از آلیاژ مس و قلع است. هر دو فلز درخشش طلا را دارند. در طول سالها صنایع فلزی مانند دیگر صنایع



دستی تحت سرپرستی سلطنتی به وجود آمدند و فلز کاران در ریخته گری و مجسمه سازی استاد شدند.

صنایع دستی دهوکرا نخستین روش ریخته گری فلز غیر آهنی است که برای بشر شناخته شد. کلمه ی دهوکرا در واقع به معنای قدیمی ترین است و از نام قبایل دهوکرا کامار بنگال غربی نشأت گرفته که آهنگرانی سنتی هستند. آنها گروهی هستند که در این نوع هنر تخصص دارند. برخی مورخان تصور می کنند که این قبایل در اصل از ناحیه بستر (Bastar) چهتیسگره (Chhattisgarh) آمدند و چون خانه بدوش و چادر نشین بودند در نواحی مجاور حرکت می کردند و در طول زمان در نواحی قبایله ای ایالتهای مدیا پرادش، چهتیسگره ، اوریسا و بنگال غربی، چهارکند (Jharkhand) و آندرا پرادش اقامت کردند. اگرچه آنها از لحاظ نژادی یکسان هستند اما با نام های متفاوت در هر ایالت شناخته می شوند. روش های ریخته گری فلز آنها به نام سیره پردو (Cire Perdue) تکنیک از بین رفته ی موم است و بیش از ۴۰۰۰ سال در هند به کار برده شده است. آثار مشابه ریخته گری آلیاژی بر پایه مس در چین ، مصر ، مالزی ، نیجریه و برخی نواحی آمریکای مرکزی کشف شده است.



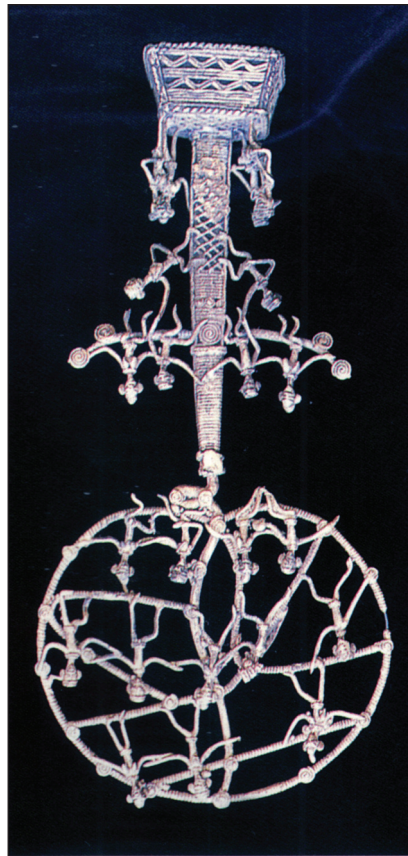


یکی از معروفترین و ابتدایی ترین مصنوع دستی که در این روش به صورت مجسمه در آورده شده دختر رقص موهنجو دارو (Mohenjo-Daro) مجسمه ی کوچک برنزی به ارتفاع ۱۰/۸ سانتی متری است. اعتقاد بر این است که در حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد ساخته شده و از خانه ای در شهر باستانی موهنجودارو که اکنون در پاکستان قرار دارد در سال ۱۹۲۶ میلادی حفاری شد. افرادی که این شاهکار را دیده اند احساس می کنند که به نظر می آید مجسمه با بیننده اش صحبت می کند. با حالت قیافه و ژستی مانند روزی که آنها ساخته شدند به امروز مربوط هستند که از دوران ها و از گذشته ای دور به اکنون رسیده اند. باستان شناس انگلیسی مورتمیر ویلر (Mortimer Wheeler) مجسمه را شرح داده فکر کرد که دختر کوچک به شیوه ی بلوچی (از بلوچستان) "در آن لحظه کاملاً به خودش و دنیا اطمینان دارد. من فکر می کنم که چیزی شبیه او - مخلوق جاودانی - در دنیا وجود ندارد".

تکنیک دقیق و پر زحمت این روش ریخته گری فلز تا اکنون همان طور باقیمانده است و بر خلاف دیگر صنایع دستی در هند در ریخته گری دھوکرا (Dhokra) هر مرحله می تواند توسط هم زنان و هم مردان انجام شود. شکل ظاهری اشیاء بسیار شبیه اشیاء ساخته شده از علف، خیزران یا حصیر است. به نظر می رسد که این صنعتگران پیشتر با علف ها کار می کردند و هنگامیکه آنها فلز را کشف کردند مواد تازه را با همان نحوه ی ساختاری استفاده کردند. برخی تفاوت ها در نوع کوره های به کار رفته و تغییرات کمی در مواد هر ناحیه وجود دارد اما ماده ی اولیه کم و بیش یکسان است. در بنگال غربی، کوره در بالای زمین قرار دارد در حالیکه در چھتیسگره و دیگر ایالتها در زیر زمین قرار دارد. در جھارکھند، ابزار گرمایی به خود قالب نصب می شود. در ابتدا فلز کار باید به عنوان مجسمه ساز هنرمند عمل کند. اول قالب ابتدایی از ماسه، گل و پودر شلتوک ساخته می شود. در بنگال غربی، با نخ ساخته شده از گالا (gala) خمیر روغن خردل و موم پوشانده می شود. در ناحیه بستر چھتیسگره، صنعتگران از نخ و نوارهای مومی استفاده می کنند در حالیکه در ناحیه سارگوجا آنها از رزینی به نام دھوان (Dhuwan) استفاده می کنند. در اوریسا، موم با دھونا (Dhuna)، رزین از درخت سال (Shorea Robustra) مخلوط می

شود. جزئیات طرح نهائی را در الگویی می توان مشاهده نمود که با پوشاندن نخ های مومی به وجود آمده است. نخ های نازک یک شانزدهم اینچ ، بسیار محکم بسته می شود به طوری که هیچ قسمتی از قالب ماسه و گل قابل مشاهده نیست.

سپس این لایه با گل پوشانده و در آفتاب خشک می شود. روکش گلی شکل نگاتیو موم را در داخل می گیرد و قالب برای فلزی می شود که باید داخل آن ریخته شود. مجراهای تخلیه برای موم گذاشته می شوند. تا موم هنگامیکه قالب گرم می شود ذوب شود و بیرون برود. زمانیکه قالب خشک می شود آن را به آرامی گرم می کنند. هنگامیکه موم شروع به ذوب شدن می کند، فلز گداخته در جلد پر می شود تا جایگزین موم شود. این فرایند از بین رفتن موم ، نامش را به این تکنیک می دهد. فلز گداخته جایگزین موم در قالب داخلی می شود و بین قسمت اصلی و روکش گلی سفت می شود و همان شکل موم را می گیرد. هنگامی که خنک و سفت می شود، لایه بیرونی گل با چاقوی بزرگ برش شکسته می شود و مجسمه فلزی در می آید و برای پرداخت نهائی آماده می شود. به جز در مجسمه های سه بعدی



توخالی ، قسمت اصلی گلی در داخل روکش فلزی باقی گذاشته می شوند تا به وزن کار بیفزایند خصوصاً اگر مجسمه ای نذری باشد و باید در محراب قرار داده شود.

کیفیت محصولات پرداخت شده نه تنها به مهارت هنرمندی که قاب را می سازد بستگی دارد بلکه به شخصی که کار پرداخت را انجام می دهد نیز بستگی دارد. سطح کار برای هموار شدن سوهان زده می شود و گلوله ها ، شبکه ها و ماریچها برای تزئیناتش استفاده می شوند. جنبه منحصر به فرد این صنعت این است که هیچ دو محصول دهنوکرا هرگز نمی تواند یکسان باشد زیرا هر چیز جداگانه قالب ریزی و در قالب جدیدی ریخته می شود. قالب نمی تواند دوباره استفاده شود زیرا برای خارج کردن آن چیز باید شکسته شود. هر کاری با عشق زیاد، توجه و هنرمندی کامل می شود و محصولات بر طبق وزن ، پرداخت و تناسب کارشان قیمت گذاری می شود.





صنعتگران به طور سنتی بت‌های مذهبی، کوزه‌ها و ابزار آلات مورد استفاده در زندگی روزانه‌ی شان را می‌ساختند. چراغ‌های روغنی با طاووس‌ها متداول هستند و در طرح‌های متعدد ساخته می‌شوند زیرا آنها هدیه‌ای سنتی برای یک دختر هستند. پیاله، پیمان‌های سنتی اندازه‌گیری در اندازه‌های متفاوت قبلاً برای اندازه‌گیری غلات استفاده می‌شد و امروزه به عنوان ظرفی برای آجیل یا کاسه‌های کوچک برای شستن دست مورد استفاده قرار می‌گیرند. در بستر مجسمه‌ی فیل با نام دهانتیشواری (Dhanteshwari) که تصور می‌شود الهه ایالت باشد به طور متداول ساخته می‌شود. ظاهراً صنعتگران معتقدند که آنها نمی‌توانند الهه را ببینند بنابراین او را سوار بر فیل فرض می‌کنند و می‌سازند. دولت با مشارکت‌های آژانس‌های توسعه، مسئولیت پروژه‌ها و طرح‌های توسعه را به عهده گرفته و مجموعه آثار آنها به انواع محصولات رشد پیدا کرده است. از جمله این محصولات مجسمه‌ها، کاسه‌ها، اشکال حیوانات، مخلوقات افسانه‌ای، خداها، الهه‌ها و ردیفی از لوازمات خانگی مانند جاچراغی، دستگیره‌های در و زنجیرها هستند. برخی از صنعتگران ماهرتر حتی ظروف غذاخوری و کارد و چنگال ساخته‌اند که ساده‌ترین سرویس‌ها را استثنائی و فوق‌العاده می‌سازد. جوامع سونار (sonar)، بهات (bhat) و بهوتیا (bhotia) جواهرات قبیله‌ای از جنس برنج می‌سازند تا تأثیری خارق‌العاده به وجود آورند. این جواهرات در جشن‌ها و در موقعیت‌های خاص استفاده می‌شوند. در میان دیگر اشیاء ساخته شده گردن‌بندها، خلخال‌ها، گوشواره‌ها و سنجاق سر و النگوها وجود دارند.

برخی از اشیاء که امروز کشف می‌شوند به نظر می‌رسد که تقریباً در زمان دست‌نخورده باقی مانده‌اند و با این وجود به طور عجیبی مربوط و مطرح هستند در حالیکه اشیای دیگر به نظر می‌رسند که تقریباً به نوعی دیگر استادانه و معاصر ساخته شده‌اند. هر یک از این ابداعات سادگی ابتدائی را نشان می‌دهند چه در طرح‌های جذاب مردمی باشد یا اجرای عجیب صحنه‌هایی از زندگی آنها در آثارشان با موضوعات متنوعی مانند زن قبیله‌ای که با کامپیوتر کار می‌کند، مادری که کودکش را با روغن ماساژ می‌دهد یا گاوی که زیر سایه‌ی درخت دراز کشیده است. مهارت و حس زیبایی‌شناختی این مردم که در موسسات رسمی آموزش ندیده‌اند، نتیجه جهان بینی خاص آنهاست که هنوز هم از تأثیرات خارجی تا حد زیادی محافظت شده‌اند. علاوه بر این هند با داشتن این میراث جاودان ممتاز است و قادر است تابه دنیا زیبایی خلاق صنعتگران دهوکرای خود را عرضه کند.

◆ نویسنده با دستکاری هات سامیتی (Dastkari Haat Samity) مشارکت می‌کند و مدیر بنیاد حمایتی هند (India Sponsor)





Foundation) بود که تیمی را برای آموزش زنان از بخش های نا دیده گرفته شده ی جامعه برای اولین بار در دهلی جهت خوداتکایی هدایت کرد.

● منبع : مجله انگلیسی India Perspectives، جلد ۲۴ شماره اول ، ۲۰۱۰ میلادی.

# رامایان مصور اکبر اعظم و نسخه ی شخصی خان خانان

نویسنده : جلال الدین \*

مترجم : سید عبدالقادر هاشمی

اکبر اعظم سخت شیفته ی ادبیات و فرهنگ هند بود و در واقع سرپرست و مبلغ تمدن هندویی نیز بود. شاهکار قابل ستایش اکبر شاه این است که دستور داد راماین و مهابهارت به فارسی ترجمه شود و با رامایان مصور و مهابهارت گنجینه ی مذهب و فرهنگ هندو را در میان عوام و خواص فارسی دان رونق بخشید. قبل از اکبر شاه شاید هیچ راجای هندو این نسخه را با این شیوه ی با شکوه مصور ساخته باشد. در این کار اکبر هیچ نظیر ندارد. او با این سرپرستی آزادانه ، اتحادملی را بسیار گسترش داد و ملیت متحد هندوستانی را تحکیم نمود و این امر دل مردم هندو را بدست آورد و راجاهای راجپوت در جان نثاری سبقت می گرفتند. به فرمان پادشاه نسخه ی شخصی رامایان که مصور است در مدت ۵ سال در سال ۱۵۸۷ م ( ۹۹۶ هجری قمری ) تکمیل شد که مزین با ۱۶۵ تصویر است. اما این نسخه امروزه خارج از دسترس ماست. به گمان قوی در خانواده ی سلطنتی جای پور محفوظ باشد. نسخه ی دیگری که از روی این نسخه ی شاهی ساخته شد ، نسخه ی مهم معاصر عبدالرحیم خان خانان است که اکنون در آمریکا در گالری هنری فریر (Freer Art Gallery) نگه داری می شود.

میکرو فیلم این نسخه را دوستم پاندیت اودای شانکردوبه ، پژوهشگر ساهیتیا سامیلن (Sahitya Samelan) اله آباد حدود ۲۵ سال پیش وارد کرده است. پاندیت مذکور مرتب یکی دو برگ مصور آن را پیش من می آورد و من مفهوم آن را برایش می گفتم و بدین طریق مقاله ی او آماده می شد. روزی عکس سرورق را پیش من آورد که به طور کامل به خط خان خانان بود. من بی نهایت خوشحال شدم که تحریری چنین طولانی به خط خان خانان شاید در هند هیچ جا نباشد. از نوشته ی این صفحه اهمیت این نسخه بیشتر روشن شد. من در این مورد با دکتر پرامود چند که برای مدت طولانی در آمریکا زندگی کرده بود ، صحبت کردم. ایشان فرمودند که این کار شماهاست ، ما دیگر خسته شده ایم. چون این کار توجه ویژه می خواهد و به تشهیر جهانی نیاز دارد لذا توجه شادروان دکتر لاکشمی سانگوی در ایندرا گاندی سنتر دهلی نو (Indra Gandhi Center) را جلب کردم. پاسخ او مثبت بود اما توصیه کردن که آن را با شاهکارهای دیگر عبدالرحیم خان خانان شامل کنم اما من موافق این کار نبودم. این کار بزرگ منفرد اکبر اعظم است و انفرادیت آن به اکبر اعظم ارتباط دارد. بعد از آن من نسخه ای از مقاله ی خودم را به دکتر کاپیلا واتسائین دادم و تقاضا کردم که این رامایان کاملاً به همین شکل یا فقط برگ های مصور آن با یادداشت های مختصر و کوتاه انگلیسی چاپ شود اما تا امروز انجام نگرفته – اخیراً وقتی که در ملاقاتی با رئیس خانه ی فرهنگ ایران دکتر ضیائی درباره ی این نسخه صحبت کردم اظهار علاقه ی شدید کردند که این نسخه باید حتماً منتشر شود و برای هرگونه مساعدت قول دادند.

ویژگی های این نسخه مهم از قرار زیر است :

\* Mr. Jalaluddin, Baitulhikmat, 4/1 B, Mirza Ghalib Road, Allahabad (U.P.), India

۱ - این نخستین بار است که ترجمه ی فارسی رامایان والمیکي و نسخه ی مصوّر به وسیله ی بهترین نقاشان عهد مغولی عرضه شد. قبل از این هیچ وقت رامایان والمیکي مصوّر نشده است و نسخه ی کامل رامایان والمیکي نیز شاید در سازمانی محفوظ باشد.

۲ - با فراهم ساختن قصه یا تاریخ این رامایان مهم والمیکي به زبان فارسی در بین مسلمانان و فارسی دانان تبلیغ و تشهیر فرهنگ هندویی به عمل آمد. بعدها نسخه های متعدد رامایان به زبان فارسی به وجود آمد. از آن جمله یک رامایان از سعدالله مسیحا پانی پتی نیز هست.

از تحریر خان خانان بر سرورق آن اهمیت آن روشن خواهد شد که در آن وی جزئیات نام مترجم ، نام پاندیت سنسکریت ، تعداد تصاویر ، مدت کتابت ، نام سرپرست کتابت و تعداد برگ ها ، همه را نوشته است.

مهم ترین نکته ی این نوشته این است که نام مترجم نسخه را نقیب خان نوشته است و دیبی مصر برهن معنی های اشلوک ها ( شعرهای مدح ) را بیان کرده است در حالی که معمولاً معروف است که آن را عبدالقادر بدایونی ترجمه کرده است. دانشمندان باید به این امر توجه خاصی مبذول کنند که حل این مسئله چیست. امکان دارد که عبدالقادر بدایونی سرپرست هیأت ترجمه بوده باشد. از نوشته ی خان خانان کاملاً روشن می گردد که نقیب خان مترجم حقیقی آن است. ترجمه ی اردوی اصل متن به زبان اردو تقدیم می شود: [در اینجا نویسنده ی محترم ترجمه ی متن فارسی سرورق به خط عبدالرحیم خان خانان را به زبان اردو نوشته است اما چون اصل متن را به عنوان "صاف شده تحریر" [ پاکنویس نوشته ] همراه با عکس اصل تحریر انتشار داده است به ترجمه ی آن نیازی نیست و حذف می گردد: هاشمی ]

تا جایی که به زبان ترجمه ی فارسی مربوط است در بیان ، اختصار و روانی وجود دارد ، فارسی مشکل نیست و خطاطی بهترین است. صورتگری بهترین نمونه ی تاثیر [ هنر ] هندی ، ایرانی ، مغولی است. تصاویر آن بهترین نشانگر رویدادهای ویژه است. بدیهی است که این تصویرگری به اشاره ی خاص شاه انجام گرفته است. بنابراین طبع نکته سنج اکبر را می توان حدس زد.

با مطالعه ی گسترده ی این نسخه و تشهیر بیشتر آن در ارزش های والا و اتحاد ملی اضافه خواهد شد. شگفت آور است که در کشوری بزرگ مثل هندوستان شیفتگان هنر و نقاشی فراوان هستند ولی امروز که زمان مطالعات دقیق و ذره بینی (Micro Studies) است چرا این نسخه را از نظر دور داشته اند ؟

در اینجا ذکر این امر نابجا نخواهد بود که اکبر اعظم از همین دیبیمصربرهن در عبادتگاه اطلاعاتی درباره ی مذهب هندو کسب می کرد. اکبر شاه به احترام و ارادت رام و سیتا سکه های طلا و نقره ی رام و سیتا ضرب نمود و در آن نشان داد که آنها به جنگل می روند. هردوی این سکه ها در موزه ی ایالتی لکهنئو ، بهارت کلا بهوان (Bharat Kala Bhawan) بنارس ، موزه ی بریتانیا و روسیه موجود است. گمان نمی رود که راجایی هندو سکه های رام و سیتا را ضرب کرده باشد.

سکه ای دیگر با واژه ی راما ضراب خانه ی برار (Barar Mint) پیش یکی از دوستانم سوریندرا اگروال در اله آباد موجود است.

● منبع : مجله ی ماهیانه زبان اردو « آجکل » (Ajkal)، دهلی، شماره ی آوریل ۲۰۱۰ میلادی.



# کشیده کاری

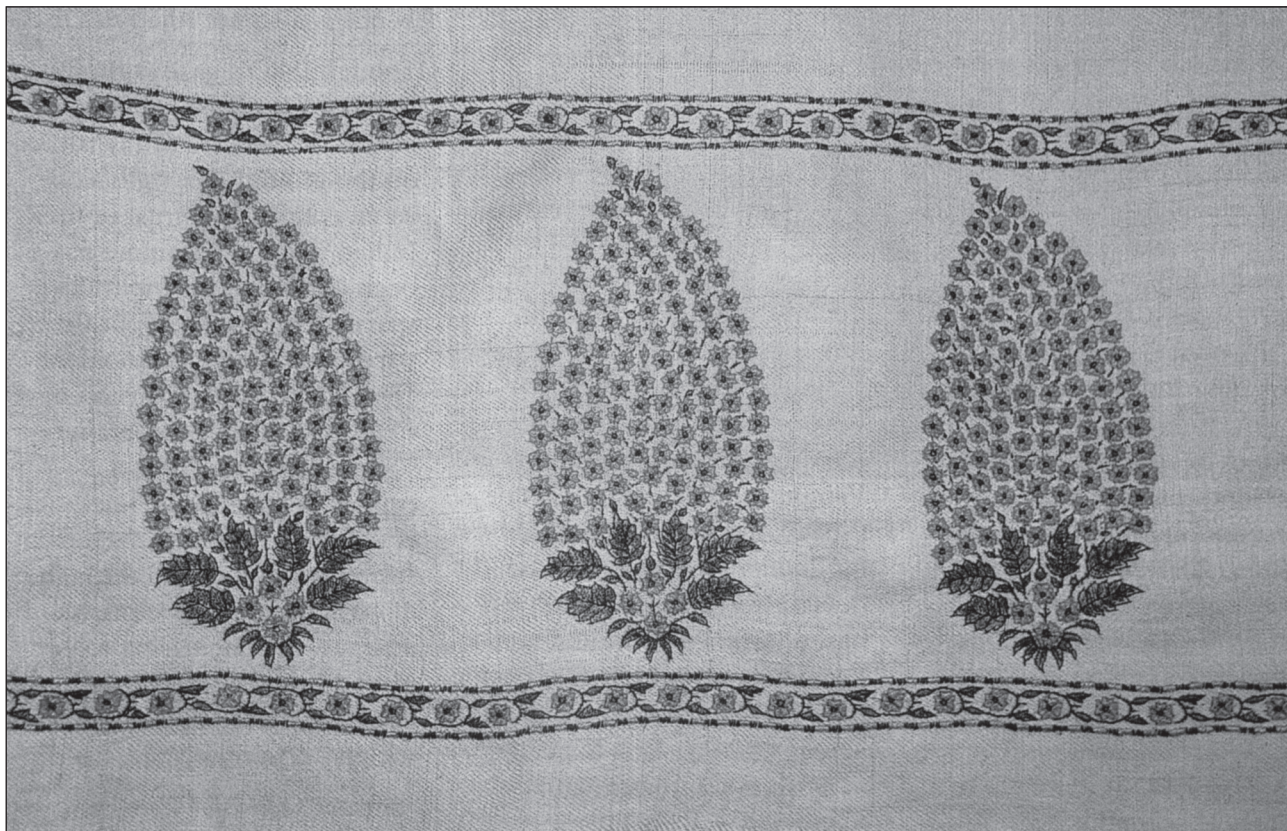
## سمفونی نخهای کشمیری

متن : اوپندارا سود (Upendra Sood)

عکس : بیملا ورما (Bimla Verma)

کشیده کاری (گلدوزی) یک قسمت اصلی و پر بار از هنرهای دستی و سنتی هند است. جاذبه و گیرایی بین المللی برای گلدوزی هندی در سالهای اخیر رشد کرده است.

هنرمندان هندی برای هنر عالی و برجسته ی شان در دنیا مشهور هستند. آنها زیباترین پارچه ها را که بعداً روی آن ها گلدوزی و تزئین میشود ، تولید نموده‌اند. تاریخ گویای نفوذ گردشگران. صنعتگران ، نقاشان و هنرهای ایالتها و کشورهای همسایه در گلدوزی هندی است که نشانه ای از خلاقیت هنری مردم می باشد و این امر بخصوص در مورد کشمیر ، شمالی ترین ایالت هند ، که برای زیبایی اش شهرت دارد صدق می کند. این منطقه بازیائی های طبیعی مسحور کننده ، سرسبزی گیاهان و جانوران تمام نشدنی ، دریاچه های آرام ، باغهای همیشه بهار و فراوانی انواع و اقسام رنگ ها ، نویسندگان و شاعران و صنعتگران بیشماری را الهام بخشیده است. از این رو برای بافندگان



زیبائی شالهای پشمینه در طرح ها و نقوش بادامی روی قسمت جلویی آن نهفته است





نمونه ای از شال پشمینه با نقوش گل و بته به سبک مغولی

طبیعی بود که تحت تاثیر زیبایی بکر و دست نخورده ی این سرزمین قرار گیرند. مشهور ترین این گلدوزی ها کشیده کاری کشمیری است. شالهای کشیده ( گلدوزی شده ) از نظر زیبایی و رنگ و طرح و جلوه و بافت زیبایشان شهرت دارند. صنعت شال بافی در دوران حکومت سلطان العابدین در قرن پانزدهم میلادی رونق گرفت. وی ماهرترین هنرمندان و بافندگان را شناسائی و انتخاب کرد و از ایران به کشمیر آورد - تا این هنر منسوخ را زنده کند و توانست با معرفی و شکل دادن تمام ساختار و سبک بخیه ها و آمیزه های رنگهای گوناگون مرحله ی جدیدی را در اُستادی و مهارت ایجاد کند. این تغییر به تشابه نزدیک بین گلدوزی ایرانی و کشمیری مخصوصاً در نقش و نگار منتج شد. نقش های گیاهان ایرانی به طور هنرمندانه ای تقریباً تبدیل به نقش گلهای هنری طبیعت گرایانه مغولی شد. بنابراین بسیاری از طرحهای گل و بته ی ایرانی در این هنر «کشیده» دیده میشود.

تقاضاها برای شال های کشمیری در زمان مغولها افزایش یافت و در "آئین اکبری" اشاره ای به این امر دیده می شود. در قرن هجدهم دیده می شد که زنان طبقه ی اشراف اروپائی از این شالها به دوش می انداختند.

گلدوزی کشمیری به عنوان یک صنعت یا کارگاه خانگی تقریباً تمام افراد خانواده را شامل می کند. این هنر از پدران به پسران به ارث می رسد. پسران در خانواده از سن پائین یادگیری این هنر را با دوختن ساقه های ساده روی شالهای ارزان قیمت آغاز می کنند و مهارتشان را به وسیله ی دوختهای مکرر روی نمونه های مختلف افزایش می دهند. آنها کار را با ترسیم طرح کلی شروع می کنند و وقتی به سن ۱۶ سالگی می رسند - مهارت و ظرافت و کارشناسی را در این صنعت بدست می آورند. و پس از حداقل ۲۰ سال تمرین مداوم کارشان را روی شالهای « پشمینه » و « شاه توش » آغاز می کنند. فروشنده ، پارچه و طرح را در اختیار می گذارد. در حالیکه صنعتگران آزادانه هماهنگی نخها و رنگها را خود انتخاب می کنند. قبل از آغاز کار طرح انتخاب شده به وسیله ی ابزاری به نام قلم کشیده می شود. هر چند که طرحها از طبیعت الهام گرفته می شود. اما نقش ها و طرح های جدید بر اساس تقاضای خریداران و مد روز تعیین می گردد. تعداد زیادی از گلهای با رنگهای متنوع و شکلهای مختلف به نام گل سوسن ، نیلوفر آبی ، لاله ، گل زعفران ، زنبق ، خوشه های انگور و همچنین پرندگانی مثل مرغ ماهیخوار ، طوطی ، دارکوب ، قناری ، کلاغ زاغی ، در هنر گلدوزی کشمیری ظاهر می شوند.



برگ چنار بیشترین حضور را در این هنر دارد. ساقه های ظریف ترکیب این پارچه ها را پوشانده و برگهای ریز و باریک Lancelot فضاهای خالی را پر کرده سعی می کند که حتی از فراوانی خود طبیعت سبقت بگیرد. اشکال حیوانات و انسان رواج ندارد. اما تعدادی از نمونه های قدیمی را که نشان دهنده ی صحنه هایی از شکار حیوانات و معروف به « شکار گاه » است در موزه ی سری ناگار (Srinagar) می توان دید. پس از طرح مخروطی شکل انبه ، بته جقه یا بته های بادامی ( نقش و نگار هایی که شبیه بادام یا غنچه آن هستند ) در این گلدوزی وارد شده است. نقش و نگارهایی که اصل و منشاء آن هنر ایران است و نمایشگر نفوذ هنر هند و ایرانی در قرن های ۱۷ و ۱۸ میلادی می باشد. پارچه هایی که روی آن گلدوزی می شود عبارتند از انواع پارچه های مختلف پشمی مثل « پشمینه » ، انواع پارچه های پنبه ای ، ابریشمی و کتانی و غیره. معمولاً گلدوزی روی پارچه هایی که رنگ نشده اند و زمینه ای به رنگ سفید یا کرم دارند انجام می شود. بهر حال بر طبق تقاضای خریداران پارچه ها به رنگهای مختلف رنگ می شوند.

نخهائی که اوایل برای این گلدوزی استفاده می شد از مرغوبترین نوع نخهای پشمی بود که به تدریج نخهای



یک شال پشمینه با گلدوزی هنرمندانه در رنگ های شاد و روشن

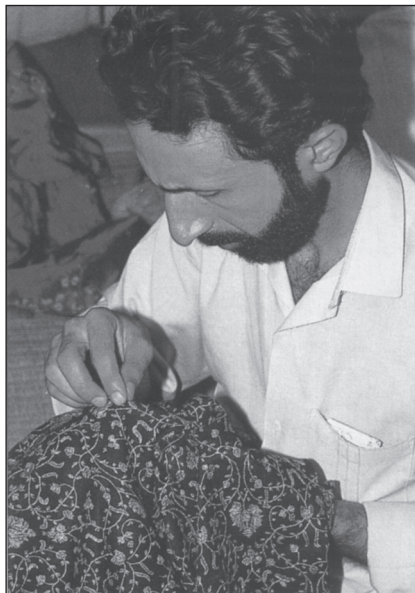




یک شال پشمی با دوخت سبک پایه ماشه در طرح گلدار



شالهای گلدوزی شده ی پشمینه به رنگ ها و سبکهای مختلف



هنرمندی در حال گلدوزی



یک کت گلدوزی شده با طرح سنتی گلدار

ابریشمی محکم جایگزین آن شد. نخهای ابریشم مصنوعی که دارای رنگهای ثابت هستند نیز به طور محدود استفاده می شوند. این سبک گلدوزی منحصر به فرد نه تنها زیبایی شالهای کشمیری را دوچندان می کند بلکه ساری های ابریشمی ، پارچه های لباسی ، رویه کوسن ها، رو تختی ها و کیف دستی ، چادرها و برخی از اشیائی که در زندگی روزمره مردم استفاده می شود نیز از آن بی بهره نیستند.

این صنعت میراث سنتی پر بار و غنی را در حالیکه خود را با سلیقه های متقاضیان و مُدهای معاصر وفق می دهد ، حفظ می کند.

\* مؤلف نویسنده ای مستقل و تهیه کننده ی برنامه های تلویزیونی است

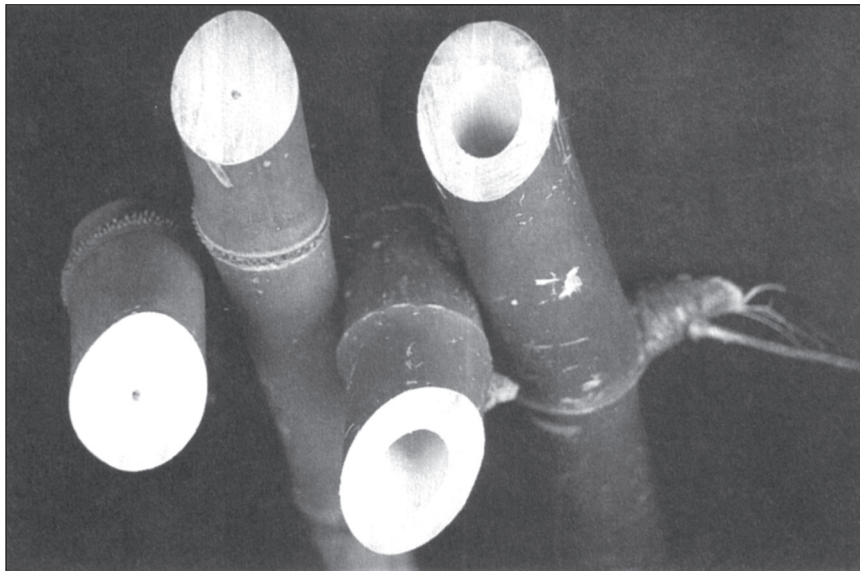
یادداشت ویراستار : شال شاه توش از پشم گرفته شده از آهوی تبتی که چیرو (chiru) نیز خوانده می شود بافته می شود. برای حفظ این حیوان از نابودی ، بافتن و خرید و فروش شالهای شاه توش قدغن شده است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، سپتامبر-اکتبر ۲۰۰۹م.

# خیزران

## بهترین جایگزین الوار

نویسنده: اوما سوامی (Uma Swamy)



خیزران نقش بسیار مهمی در زندگی ما دارد هم در ساختن چاقو ها برای بریدن بند ناف استفاده می شود و هم در حوزه ی اکثر فعالیت های بشری. حتی در نوشته های مقدس باستانی هند به آن اشاره شده است. در سانسکریت به نام وینو (Venu) معروف است و نقل شده است که گوتام بودا پس از اشراق مکان زندگی اش را در یک باغ خیزران انتخاب کرد.

شاید هیچ روینده ، درخت یا گیاهی ، این گونه که خیزران در ارتباط نزدیک با زندگانی انسان است، نبوده باشد. با وجود این که خیزران بیش از ۱۵۰۰ کاربرد مستند مرسوم دارد ، شامل بسیاری موارد خانگی و صنایع دستی بوده و به عنوان الوار یا چوب انسان ها ی فقیر معروف شده است. علت این امر ظاهراً برتری و اهمیت چوب در دهه ها بود. چوب یک منبع اجتناب ناپذیری بود که نظیری در سودمندی و در دسترس بودن نداشت. در حالیکه از موقعیت خوبی از هر لحاظ برخوردار بود ، دیگر محصولات جنگل بین جوامع محلی داد و ستد می شدند. از آنجا که برداشت چوب در مقیاس بزرگ زیان بسیار به محیط زیست وارد می کرد، جستجو برای جانشینی که بتواند نیازهای اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و طبیعی انسان را برآورده کند ، شروع شد. این تلاش و جستجو به طور حتم به خیزران منتهی شد. بسیاری از پروژه های تحقیقاتی ، توانایی خیزران به عنوان منبع صنعتی و فناوری پسند را تصدیق کرده اند. همچنین به عنوان منبع در آمد و ایجاد فرصت های شغلی ایده آل بود. بنابراین خیزران امروزه به مرتبه ای عظیم دست یافته است. کار بردهای تکنولوژیکی (فنی) جدید خیزران خبر از تغییر حرکت بخش صنعتی و بازرگانی در هند می دهد که دارای یکی از بزرگترین ذخیره خیزران در جهان می باشد. منطقه شمال شرقی کشور بینابین ایالات آروناچال پرادش (Arunachal Pradesh)، آسام (Assam)، ناگالند (Nagaland)، میزورام (Mizoram)، مانیپور (Manipur) ، میگالایا (Meghalaya) و تریپورا بیش از نصف گونه های خیزران را که از هند گزارش شده است دارا می باشد.

خیزران این توانایی را دارد که وسیله ی امرار معاش و امنیت و خاطر جمعی محیطی و غذایی را برای بشر فراهم کند. همچنین خیزران





در حفاظت تنوع زیستی و تأمین کربن نقش مهمی دارد. همچنین با حفاظت از خاک زراعی و مدیریت آب پخشان در توانبخشی به زمینهای فرسوده مفید می باشد.

در هند تحول آرامی در زمینه ی خیزران در جریان است. بسیاری از موسسات در تحقیق و گسترش کاربردهای متکی بر خیزران فعالیت دارند. صنایع متکی بر خیزران بسیار جنسیت پسند بوده و بسیاری از نیازهای فرصتهای شغلی را برای زنان و افراد نیمه ماهر در جوامع روستایی بر طرف می کند. در بنگالور پروژه ای در زمینه ی تولید تخته های چند لایه ی حصیری از خیزران جهت استفاده در ساخت در ، سقف و میز و غیره در جریان است. برای هماهنگ کردن و نظام بخشیدن تلاشهای موسسات متعدد و کنترل برنامه کاری سازمان یافته دولت هند هیئت فناوری ملی برای گسترش خیزران (National Mission for Bamboo Development) را راه اندازی کرد. هدف این هیئت استفاده مفید از خیزران به طریقی طرح ریزی شده و منسجم می باشد.

بیشتر افکار و توجهات متوجه حل مسایلی شدند که توسعه ی معقول و موثر خیزران در کشور با آن مواجه می باشد. لزوم تلفیق پروژه های کار آمد کوتاه مدت با چشم اندازی بلند مدت و حمایت منافع تمام افراد ذینفع کار آسانی نبود. امروزه ، طرح مدون خط مشی مدیریت خیزران شکل گرفته است. تعدادی از سازمانهای عضو در هیئت از جمله بخش علوم و فناوری موسسه ی تحقیقاتی جنگل دهرادون (Dehradun) موسسه علوم و فناوری چوب و سازمان محیط زیست نقش مهمی دارند.





در ابتدا دولت فناوری تولید مفید خیزران را مشخص کرد. بخش بیوتکنولوژی (فناوری زیستی) شیوه های مراقبت و پرورش را استاندارد کرده بود. در حدود یکصد سازمان غیردولتی و دیگر تشکیلات با توانایی تولید و توزیع پنج میلیون نشای با کیفیت در هر سال در فهرست قرار دارند.

کشت خیزران نقش مهمی در اشتغال زایی روستائیان دارد. این امر حرکت و انگیزه ی جدیدی در تولید صنایع دستی با خیزران را به همراه دارد. علاوه بر این تکنولوژی پیشرفته ی ماکوهای خیزران در ماشینهای پارچه بافی مدرن پرسرعت برخی پارچه های خوبی تولید می کند. زغال خیزران داغ ترین آتش مورد نیاز ذوب کردن طلا را تولید می کند. تحقیقات نشان می دهد که ورقه ی خیزران دقت صدای سیستم های صوتی را افزایش می دهد. یک روستای فوری و اضطراری و مَدولی طی چند ساعت با خانه های خیزران دایر می شود.

در منطقه دهارواد کارناتاکا (Dharwad) یک جنگل خیزران با ۷۰ فوت ارتفاع روی خاکی که فقط یک متر عمق در بستر فلات دکن دارد، سر به فلک کشیده است! عجایب خیزران آدم را به حیرت وا می دارند. این گیاه سریع ترین رشد کننده ی روی زمین است و رشد متوسط آن ۳ تا ۱۶ اینچ در روز می باشد. رشد خیزران ۳ برابر سریع تر از اکالیپتوس می باشد و اغلب می توان چهار بار برداشت کرد.

خیزران در برابر درخت کاج سریع رشد کننده ۶ برابر سلولز (cellulose) تولید می کند. در یک طول عمر ۳۵ ساله یک گیاه خیزران توانایی تولید ۱۵ کیلومتر دیرک مفید دارد. همچنین جوانه های برخی گونه های خیزران خوردنی هستند.

خیزران همچنین حاصلخیزی و باروری مجدد به خاک باز می گرداند. توانایی رشد در انواع خاکها از نابارور تا نیمه خشک را دارد و باعث بازپروری و حاصلخیزی آنها می شود. این گیاه تولید کننده ی انبوه و دسته جمعی نیز می باشد. بنابراین به طور شایسته آن را مناسبترین جایگزین چوب و الوار منبعی که خیلی سریع کاهش می یابد - نامیده اند.

◆ مولف : عضو فعال اجتماعی و محیطی ( کشاورزی ) می باشد.

● منبع : مجله انگلیسی India Perspectives, ژانویه ۲۰۰۴ میلادی.

# کارائیب

## زیستگاه جانورانی از هند

نویسنده: دکتر کومار مهابیر (Dr. Kumar Mahabir)

هیچ نوع بررسی متمرکزی بر روی حیوانات و پرندگانی که از هند به منطقه کارائیب (هند غربی West Indies) وارد شدند، صورت نگرفته است. تاریخ دانان به جای آن بررسی هندیان (اهالی هند غربی) در رابطه با مذهب، فرقه، رهبران، قانون، کارگران و زمین را انتخاب کرده اند در حالیکه حیوانات نیز با همان کشتی کارگرانی آورده شدند که برای کار بر روی مزارع نیشکر پس از لغو برده داری وارد شدند. برای نمونه، بزهایی با گوش های بزرگ آویزان، بازماندگان کشتی "لپ وینگ" (Lapwing) بودند که نزدیک باربادوس (Barbados) در مسیرش به گویانا (Guyana) شکسته و درب و داغون شد. هندیان به عنوان کارگران کشاورزی در طول اجیرنامه (۱۸۳۸-۱۹۱۷ م.) همراه با احشام در مزارع کار کردند و آنها نیز حیوانات شخصی را به عنوان دارایی و حیوانات خانگی نگه می داشتند. هندیان سنت باستانی دامپروری را داشتند که در هند غربی نیز ادامه یافت. در واقع، باید یادآوری شود که گاو همیشه برای هندوها که گروه بزرگ قومی را در ترینیداد و گویانا تشکیل می دهند، مقدس بوده است. تا سال ۱۹۵۰ میلادی هر خانواده ی هندی گاوها را برای پهن، شیر و کود برای امرار معاش و فروش پرورش می داد. حیوانات در زمین های اجاره ای مشترک پرورش می یافتند و باقی مانده ی محصول، علف های هرز و نوک های نی را می خوردند. در نتیجه آنها با صاحبانشان برای غذا و جا تعارضی نداشتند.

محققانی مانند جولی کول (Julie Cole)، ویل فاوست (Will Faust) و مات فلیمنگ (Matt Fleming) در اثرشان در مورد تکامل احشام وحشی (سال ۱۹۹۱ میلادی) ادعا می کنند که اولین احشام شناخته شده (خانواده گاو، گوسفند و بزها) در دنیا گاو نر وحشی یا بیزون (Aurochs) بود که اصلیت هندی دارد. اولین نژاد در آسیا به وجود آمد و سپس در اروپا و آفریقا تقریباً در همان زمان در طول دوره پلیستوسن (۱/۸ میلیون تا ۱۱۰۰۰ سال پیش) به وجود آمدند. نزدیک ترین شبیه گاو نر وحشی یا بیزون را امروزه در گاو وحشی زیبو (Zebu) ی هند و گاو سنگای آفریقایی می توان پیدا کرد.



بوقالو های آبی هندی به عنوان حیوانات انتخاب شده





گاو زیبو - دارای هویت غیر قابل تردید هندی

کشفیات باستان شناسی و مدارک ژنتیکی ثابت کرده اند که کشاورزان در هند اولین کسانی بودند که گاو زیبوی کوهان دار را که بومی آن کشور است گرفتند و اهلی کردند.

گرچه گاو اهلی اولین بار توسط کلمبوس (Columbus) برای آمریکایی ها آورده شد، گاو زیبو (گاو هندی) توسط انگلیسی ها در سال ۱۸۶۰ میلادی به هند غربی (the West Indies) آورده شد. بیش از ۳۰ نژاد (از جمله یک نژاد مینیاتوری) به وجود آمدند و به نام های قلمروی شان مانند نیلور (Nellore)، حصار (Hissar)، میسور و گجرات نامیده شدند. آنها شاخ های خمیده ی بزرگ و کوهان برجسته درست پشت گردن دارند و در شرایط گرم شرعی رشد و نمو می کنند. زیبوها در شکل ماهیچه ها که در بهتر تکان دادن کمک می کند، در برابر نیش حشرات مصونیت ذاتی دارند. آنها هنگامی که آب موجود نیست غذا نمی خوردند و از چربی موجود در کوهان شان تغذیه می کنند.

از سال ۱۹۰۵ میلادی تا سال ۱۹۰۸ میلادی در طول اجیرنامه، ۳۰ بوفالوی آبی هندی جعفرآبادی به نام بهایسا (bhaisa) به ترینیداد در مزرعه ی نیشکر تاکاریگوا (Tacarigua) آورده شدند تا جایگزین گله های گاو (نژادهای برهمن و زیبو) بشوند که به سل مبتلا بودند. آنها توسط استیو بینت (Steve Bennett) در سال ۱۹۶۰ میلادی جفت گیری شدند و گونه ترینیدادی بوفالیپسو (Buffalypso) را به وجود آوردند که به ۱۹ کشور مختلف در سراسر دنیا به ویژه به آمریکای جنوبی و مرکزی، کوبا و باربادوس با کشتی آورده شده است. از سال ۱۹۷۴ میلادی سازمان خوار و بار و کشاورزی (سازمان ملل) گامیش یا بوفالو (Bubalus carabanesis & Bubalus bubalis) را به روشنی به عنوان فراموش شده ترین حیوان برای تولید شیر، گوشت، پنیر، چرم مشخص کرده است و شخص باید قدرت انتخابش را بیفزاید.

دریافته اند که بوفالوها در ترینیداد نسبتاً از بیماری های احشام و حشرات عاری هستند و تقریباً دو برابر گاوها در تولید شیر مؤثر هستند.

خانم محقق لیلا رستوگی (Leela Rastogi) و دیگر محققان (سال ۱۹۹۳ م.) استدلال می کنند بنا به گزارش، گوشت آنها نیز در کیفیت از گوشت گاو بهتر است و بوفالوها ویژگی منحصر به فردی دارند که آذوقه های با کیفیت بد را به رشد ماهیچه های قابل ملاحظه تبدیل می کند. در سال ۱۹۷۸ میلادی، ۶۰۰۰ بوفالو در ترینیداد در محیط هایی می زیستند که برای حیوانات دیگر متخاصم بودند.



راسو - نیز از کشور هند

نمس های (نوعی راسو) کوچک از هند (گاهی از طریق لندن) به جامائیکا و ترینیداد در حدود سال ۱۸۷۲ میلادی آورده شد. این راسو (*Herpestes auropunctatus*) برای کنترل موشهایی آورده شد که به مزارع نیشکر حمله می کردند به طوری که سبب زیانهای فوق

العاده در درآمد آنها می شدند.

از این جزایر به کوبا، پورتو ریکو، گرینادا و باربادوس آورده شدند. آنها هم چنین با تحریک مارها برای حمله کردن به سرعت کنار می روند و سپس بر بالای سر آنها می پرند و گاز می گیرد به طوری که جمجمه هایشان را می شکنند و می کشند.

بزها احتمالاً قدیمی ترین حیوان نشخوارکننده (پس از سگ ها) هستند که ۸۰۰۰ سال قبل اهلی شدند. اهلی کردن در کنار رودهای تمدن های باستانی رود نیل (آفریقا) و رودهای دجله و فرات (آسیا) اتفاق افتاد. در سال ۱۸۷۲ میلادی، بزهای هندی با کشتی هایی به انگلیس آورده شدند و تقریباً در همان زمان آنها به هند غربی آورده شدند تا برای کودکان و کارگران مهاجر بر روی کشتی ها شیر بدهند. بزهای اصلی وارد شده از آفریقا، عربستان و هند، پر طاقت و پا دراز بودند و توسط پرورش دهندگان انگلیسی حیوان های دورگه به وجود آورده شدند. بزها به آسانی با محیط های نیمه خشک و کوهستانی سازگار می شوند و برای گوشت، شیر و تولید پوست استفاده می شوند. شیر بز برای افرادی که از زخم ها و تحلیل قوای جسمانی رنج می برند بسیار با ارزش است.

میمون های رزوس (*Macaca mulatta*) در جزایری نزدیک پورتو ریکو و سپس در فلوریدا در سال ۱۹۶۰ میلادی رها شدند. آنها اندامی تنومند و کوچک دارند و بسیار باهوش هستند. آنها در هند مقدس شمرده می شوند و آزاد زندگی می کنند.

پرندگان بسیار کمی از هند به کارائیب آورده شدند و هیچ یک نمی توانست برفراز اقیانوس های وسیع پرواز کند. بیشترین پرنده ای که به طور وسیعی پراکنده شده طاووس وش (*Pavo cristatus*) است. طاووس با دم بزرگ و با شکوهش که می تواند به شکل بادبزین عریضی بلند شود قابل تشخیص است. هر دو جانور ماده و نر، فریاد بلندی می کشند. آنها به عنوان پرندگان زینتی حیاط مزرعه و باغچه ها پرورش می یابند. پرهای آنان بخش مهمی از نمادگرایی هندو ایفا می کنند.

پرنده ی دیگری که بومی هند است و در کارائیب وجود دارد مینای کوهستانی (*Gracula religiosa*) است. هم چنین به نام "مینای سخن گو" معروف است زیرا توانایی خارق العاده ای برای تقلید زبان انسان، اصوات پرندگان و دیگر اصوات دارد. پرندگان دیگری نیز مانند آواداوات قرمز (*Red Avadavat*) چهچهه زن منقار نقره ای (*Indian Silverbill*) و مانکن خرمایی (*Chestnut Mannikin*) (راهبه ی سیاه سر) وجود دارند که در پورتو ریکو وارد شدند.

◆ مؤلف: رئیس انجمن مردم شناسان ترینیداد و توباگوست.

● منبع: مجله انگلیسی *India Perspectives*، فوریه سال ۲۰۰۴ م.

# اوج ماجرا

## رکورد جهانی چتر بازی نمایشی

نویسنده: رامیش تریپاتی (Ramesh Tripathy)

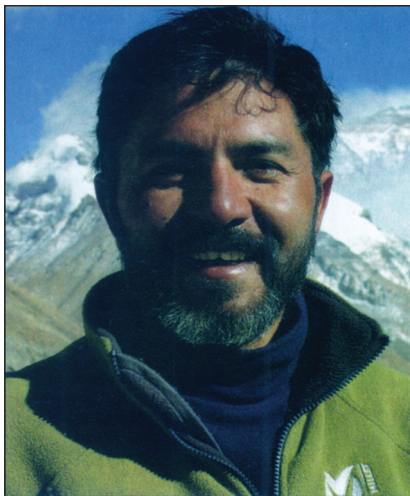
مترجم: مریم حسینی متقاعد

بشر از دوران بسیار کهن رویای غلبه بر عناصر طبیعی را داشته است. باد، باران، جاذبه، آسمان، نور خورشید بر زندگی انسان مسلط هستند. انسان به دنبال رویای خود برای غلبه بر عناصر طبیعی، کارهای متهورانه‌ای انجام داده است.

هنر پرش با چتر به روحیه‌ی جسور بشر تعلق دارد. پرش با چتر واقعاً فعالیت انسانی، فراتر از مرز خاکی زندگی روزمره‌ی انسانی است. گامی به سوی آسمان به دور از ایمنی نسبی سکوی هوایی است. این گام مبارزه با جاذبه است. و نیز مبارزه با پرندگان و حق انحصاری شان بر آسمانهاست. هرچند ممکن است کوتاه باشد. اما زندگی آسمانی بر بالای زمین جایی است که انسان بر سرنوشت خودش مسلط است.

من که نزدیک به دو دهه تا به حال، مربی چتر بازی بودم. این شانس را داشتم تا پرش‌های با چتر در موقعیت‌های مختلف آموزشی و علمی در روز و در شب از ارتفاعهای مختلف انجام دهم. من قبلاً پرش با چتر را در طول مدت آموزش‌های نیروهای ویژه از ارتفاع ۲۹۵۰۰ پا بالا تر از سطح زمین کمی بیشتر از کوه اورست با هوایمی بال ثابت انجام داده‌ام و آرزو کردم که کاش می‌توانستم واقعاً به آن ارتفاع نیز روزی صعود کنم. این انگیزه بود که در من اشتیاق ایجاد کرد و رسماً در سال ۱۹۹۲ میلادی به سمت کوهنوردی رفتم. در نتیجه بعد از آن برگشت به گذشته نبود و من خودم را همیشه بر بالای برخی از قله‌های متوسط در گره‌وال و ناحیه هیماچال می‌یافتم. من نیز مانند هر کوهنورد دیگری رویای دیدن کوه اورست را داشتم و به این دل مشغولی‌ام هنگامی پاسخ داده شد که بلاخره عضو اولین هیات اعزامی نیروی هوایی هند به کوه اورست در سال ۲۰۰۵ میلادی شدم.

هنگامیکه من در ساعت پنج و ربع صبح ۳۰ می سال ۲۰۰۵ میلادی بر فراز بلندترین مکان دنیا از سمت شمالی قدم گذاشتم نه تنها



رمیش تریپاتی





سرهنگ دوم نیروی هوایی تریپاتی با چترش از میان بادهای شدید برای رسیدن نهایی به منطقه فرود ماهرانه پرواز می کند.  
کوه اورست (۸۸۴۸ متر) در پس زمینه پشت چتر دیده می شود.

عکسها توسط دیکسون عکاس و فیلم ساز مشهور انگلیسی وقایع ماجراجویی گرفته شده است.







سرشار از شور و شوق شدم بلکه فکری که فوراً ذهن مرا به خود مشغول ساخت این بود که بدون فوت وقت با سرعت ممکن عقب نشینی کنم. با خستگی فراوان و شرایط نامساعد در آن ارتفاع ذهن من برای انتخاب راه میان بری برای برگشت به کمپ کار می کرد. در آن لحظه فکر بکری ذهن مرا درگیر کرد و من صادقانه آرزو کردم که چتری داشتم تا با آن برای رسیدن به کمپ اصلی پرواز می کردم. من پس از گذراندن فقط ده دقیقه تنها با شیرپای خود به نام آنگ سونا، فردی از اهالی بومی هیمالیا، که کوه نوردان را راهنمایی می کند بر بالای قله و لذت بردن از منظره ی وسیع و زنده ی کل فلات تبت فوراً شروع به پائین رفتن کردم. در تمام مدتی که بر مسیر باریک رشته کوه شمال شرقی تقلا می کردم در این فکر بودم که چقدر هیجان انگیز خواهد بود که نزدیک اورست پرواز کنی و این گرانبه را ببینی که حتی کوهنوردان اورست نمی توانند آن را ببینند. این جرقه در آن لحظه بود که مرا برای پرش با چتر از ارتفاع بالا بر فراز کوهها سرشار از انگیزه کرد. من تصور نمی کردم که این فرصت را خواهیم داشت که روزی از فراز منطقه اورست بپریم. من خودم را برای داشتن دو شرط کوهنورد بودن و چتر باز بودن ، ترکیب کاملی برای تحقق بخشیدن به دل بستگی ام و تجربه کردن ماجراجویی منحصر به فرد پرش از فراز



از چپ به راست رافائل، لئو دیکسون و تریپاتی

کوه اورست، خوش شانس می دانستم. علاقه ام به این پروژه سال پیش هنگامی به وجود آمد که شنیدم یک تیم انگلیسی هم اکنون بر روی این کار جدید دارد کار می کند. از طریق اینترنت بود که من با هماهنگ کننده ی اصلی در انگلیس تماس پیدا کردم. به دلیل سابقه و تجربه ام برای پرش که قرار بود در سپتامبر ۲۰۰۸ میلادی برگزار شود، فوری جای مناسبی را به من دادند. من در تجربه ی حرفه ای ام آنان را شریک ساختم و حتی در برخی جنبه ها آنها را راهنمایی کردم. در هر صورت بنا به دلایلی که خارج از کنترل من بود نتوانستم به نخستین پرش برسم که از ارتفاع ۱۲۶۰۰ پایی در فرودگاه کوچک سیانگ بوچه (Syangboche) در مسیر کمپ اصلی اورست برگزار شد مجموع ۴۱ چتر باز از هواپیمای پلاتوس که از سوئیس تنها بدین منظور آورده شده بود ، پرشها ی تک نفره و دو نفره انجام دادند. قیمت ذکر شده برای هر پرش در وب سایت ۲۰۰۰۰ پوند انگلیس بود.



من دوباره پیشنهادی از جانب لئودیکنسون (Leo Dickinson) و رالف میچل (Ralf Mitchel) دریافت کردم. هر دو حریف قبلاً در کوهها بودند و خودشان را برای پرش آماده و سازگار می ساختند. برای آماده کردن خودم زمان بسیار کمی باقی مانده بود. به زودی من مجوز رسمی برای پرش از وزارت گردشگری نپال گرفتم. من با سرعت زیاد شروع به آمادگی برای شرایط پرش کردم و کارهای زیادی بود که باید انجام می شد - گرفتن بلیط، درخواست مجوز از اداره مرکزی ام، تدارک تجهیزات و لباسها و غیره. ۱۸ سپتامبر سال ۲۰۰۹ میلادی بود و شمارش معکوس برای پرش اورست شروع شده بود...

من بلیط هواپیمایی ام را برای ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۰۹ میلادی رزرو کردم و باید دهلی را در ساعت ده و نیم صبح ترک می کردم. از آژانس هواپیمایی در ساعت پنج به من تلفن کردند که شرکت هواپیمایی پروازهایشان را برای سه روز آینده کنسل کرده بود. شوک زده شدم! من که به شدت نگران و مضطرب بودم، برای پرواز موجود بعدی درخواست کردم. من باید دو برابر هزینه می پرداختم اما مطمئن شدم که تا ساعت نه و نیم صبح کاتماندو (Kathmandu) خواهیم رسید. درحالیکه تأیید بلیط را بررسی می کردم، ای میلی از کات ماندو



تربیاتی قبل از پرواز به سمت هلی کوپتر راهپیمایی می کند

دریافت کردم که آن را هیأت هیمالیا که پرش ها را هماهنگ می کرد، فرستاده بود. در آن ذکر شده بود که سرهنگ دوم نیروی هوایی تربیاتی اگر شما تا ساعت نه صبح روز ۲۰ سپتامبر برسید شما شامل گروه هستید، در غیر این صورت پرش را از دست خواهید داد! بلند شدن هلی کوپتر از کاتماندو در ساعت ده صبح برنامه ریزی شده بود. بنا براین مشکلات شروع شده بود! من دوباره خواستار تغییر در رزرو بلیط خود شدم اما هزینه تقریباً سه برابر شد!

من پس از یک جلسه ی پذیرایی کوتاهی در سالن مهاراجای فرودگاه بین المللی ایندرا گاندی در بیستم سپتامبر سوار هواپیما شدم. بالاخره هواپیما در ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه صبح به حرکت درآمد. هوا خوب بود و من با دانستن برنامه پر تلاشی که بر سر راهم در کاتماندو قرار داشت عاقلانه از زمان استفاده کردم و پس از بارها مرور فهرست پرش، فوری به خواب رفتم.



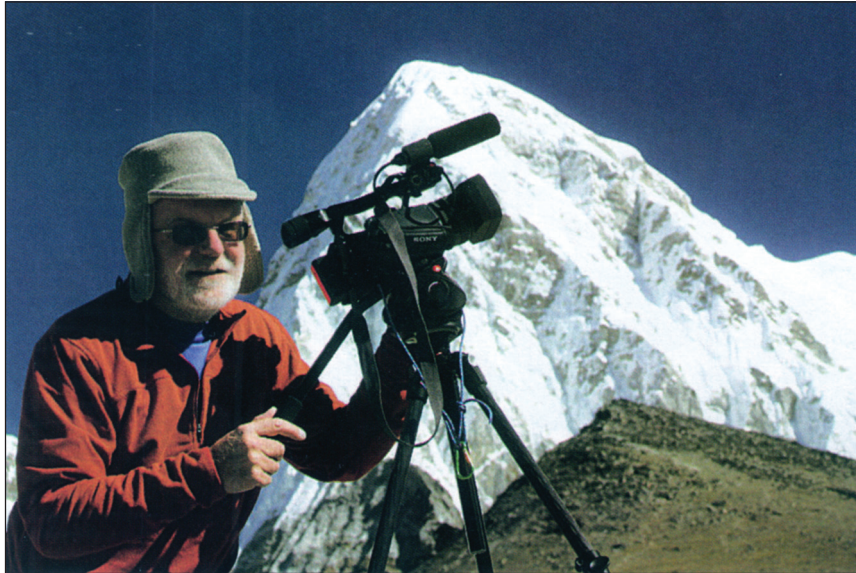


منظره ی رشته کوه پوشیده از برف قبل از نزدیکی آخر برای فرود

هوا در کاتماندو بد بود و پرواز هلی کوپتر به ساعت دو بعد از ظهر به تعویق افتاد. من در مدت ارتباط با خدمه هلی کوپتر خودم را با شیوه های خروج از هواپیما آشنا کردم. برای من تازه نبود زیرا من پیش از آن در حدود ۷۰۰ پرش از هلی کوپتر ثبت کرده بودم اما این بار اولی بود که من از هلی کوپتر سری AS350 B2 فرانسوی می پریدم.

پرش در ناحیه اورست ، نزدیک به کوه اورست ، چیزی خاص و دشوارتر است. شخص مانند نقطه ای کوچک بر روی بومی وسیع به نظر می رسد. اما بسیار ارضاءکننده است زیرا آدم منظره ی وسیع رشته کوه های پوشیده از برف هیمالیا و منظره ی گرانکوه هیمالیا را از نزدیک می بیند. یک نگاه به اورست مرا سرشار از نیروی درونی برای استوار ایستادن ولی با تواضع می کند. پرش از اورست خاص است زیرا مبارزه ای واقعی است ، مبارزه علیه تمام چیزهای نامتعارف ارتفاع بالا و عوامل طاقت فرسای طبیعت. شرایط ورزش باد بسیار ، دماهای زیر صفر، شرایط بادی شدید ، کمبود اکسیژن ، فشار کم ، احتمال کشیده شدن و فرود آمدن در شکاف ها و یخچالهای طبیعی ، نواحی کم برای فرود و غیره ، شرایط واقعاً دشواری برای پذیرش چنین کارهایی در آن ناحیه هستند. ابرهای کوتاه ورقه ورقه بر فراز لوکلا بودند و آفرین بر خلبان که ماجراجویانه از میان ابرهای عمودی پرواز کرد و به سختی توانست فرودی مطمئن را کنترل کند. لوکلا در ارتفاع بیش از ۹۰۰۰ پایی قرار دارد و بیماری ارتفاع زیاد را مانند خوش آمد گویی گرمی به بازدید کنندگان تقدیم می کند. من به سمت اتاق رفتم و فنجانای چای داغ نوشیدم و برای اقلیم پذیری سریع تر دو ساعت خوابیدم. تمامی کارهای من از عمد آهسته بود تا از خستگی جلوگیری کنم و اقلیم پذیری را تسهیل کند. من بسیار مواظب بودم زیرا افزایش ارتفاع به حد کافی سریع بود تا مرا به دام بیماری سخت کوهستان بیندازد. من در حدود سی دقیقه یوگا ( تمرینات تنفسی ) انجام دادم. چتر ، تجهیزات اکسیژن و لباسهایم را در اواخر شب آماده کردم.

روز بعد طبق برنامه پرواز در ساعت هشت صبح بود. من به خلبان می گفتم که پرواز را جلو بیندازد زیرا ساعات اوایل صبح شرایط خوبی برای پرش دارد ، اما بعداً من متوجه شدم که این درخواست لئو دیکنسون و رالف میچل بود که از قبل منتظر هلی کوپتر بودند تا به



لئو دیکسون برای گرفتن فیلم پرش با چتر از هلی کوپتر بی ۲ آماده می شود

گوریکشیپ (Gorekhshep) برسد. لئو فیلم ساز مشهوری است و مستند های بسیاری برای کانالهای نیشنل جیو گرافی (National Geography) و دیسکاوری (Discovery) از جمله سفرهای مشهور با بالون بر فراز اورست را که در آن او خودش سوار بالون بوده، ساخته است.

لئو با دوربین خود آماده بود و برای فیلم برداری از گوریک شیب شرایط نوری خوب می خواست. هلی کوپتر در ساعت هفت و پنجاه دقیقه صبح از لوکلا پرواز کرد و در ظرف ده دقیقه ما بر فراز فیریچه (Phiriche) پرواز می کردیم. لایه های ضخیم ابرها فراسوی دره را پوشانده بود و مانع کارمان شد. این ماموریت نا تمام باقی ماند و ما فوراً در لوکلا فرود آمدیم. به زودی تمام درّه با ابرها پوشانده شد. ما بالاخره برنامه را برای روز بعد به تعویق انداختیم اما این بار پرواز باید در ساعت شش و ربع صبح انجام می شد.

من از پنجره ی اتاقم که به سمت جنوبی درّه باز می شد نگاه کردم. آسمان به نظر خوب می رسید. طبق برنامه ما روز بعد روز ۲۲ سپتامبر سال ۲۰۰۹ میلادی دقیقاً در ساعت شش و سی دقیقه صبح پرواز کردیم و هلی کوپتر در ساعت شش و پنجاه دقیقه صبح در کوه گوریکشیپ فرود آمد. به دلیل محدودیتهای وزنی هلی کوپتر تنها یک پرش کننده در یک زمان میتوانست پرش را انجام دهد. لئو دیکسون، رالف میچل و در آخر من بودم که یکی یکی می پریدیم. من در ساعت هفت و پنجاه دقیقه صبح از ۲۲۰۰۰ پایی بالاتر از سطح زمین روبروی اورست در جهت شمالی خارج شدم. نمای غربی و کل نمای جنوبی اورست قابل مشاهده بود. در حدود ۴ ثانیه پس از خروج بود که من دکمه چترم را زدم و بلافاصله من زیر چتر رنگارنگ در حال پائین رفتن بودم. چشمانم به یخچال طبیعی کومبو (Khumbu) خیره شده بودند و سعی می کردند تا محل کمپ آئی. تی. بی. پی (ITBP) مان را در کمپ اصلی پیدا کنند. من نمی توانستم ببینم زیرا چشمانم به دلیل بادهای سرد که دیدم را تار می ساخت، خیس شده بود. و نیز بر خلاف فصول دیگر در این زمان هیات ها ی زیادی از سمت جنوبی نبودند. در هر صورت نگاهی به اورست واقعاً رضایت بخش بود من دستانم را در حالت دعا به هم وصل کردم و آرزو کردم که ای کاش می توانستم شانس دوباره داشته باشم تا از سمت جنوبی از اورست بالا بروم.

سرما ی منجمد کننده ای بود و انگشتان دست و پایم داشتند کرخ می شدند. این امر به مشکلات من در کشیدن کنترل های چتر می افزود. من پرچم سه رنگ هند را برای اهتزاز در هوا با خودم برده بودم اما به دلیل سرما نتوانستم آنرا انجام دهم. انگشتان پایم نیز سرد شده بودند و من از برخورد هنگام فرود می ترسیدم. به دلیل هوای سبک و رقیق در آن ارتفاع چتر بسیار سریع پائین می آمد. در حدود ۴ دقیقه در هوا بود و بلافاصله من چتر را برای فرودی آرام بالا گرفتم. نقطه ی فرود نسبتاً بالا بود اما من از فرودم راضی بودم. من با شادمانی به





هلی کوپتر بی ۲ در گورکشپ برای برداشتن چتر بازان پس از پرش موفقیت آمیز با چتر فرود می آید

سمت دوستانم دست تکان دادم و دوباره به ساگرماتا (Sagarmatha) رو کردم و با دستان بهم پیوسته از او تشکر کردم. هلی کوپتر برای برداشتن ما فرود آمد و ساعت نه صبح ما برای مراجعت به لوکلا پرواز می کردیم. پس از سوخت گیری از لوکلا با فرار از ابرهای درحال رسیدن خارج شدیم و ساعت سه بعداز ظهر در کاتماندو بودیم.

این کار تنها یک سال پس از اینکه اولین بار نیپال شروع به دادن مجوز برای چتر بازی در ارتفاع بالا در ناحیه اطراف کوه اورست کرد، اتفاق افتاد. رکورد قبلی فرود نیز در سایه ی کوه اورست در ناحیه شیب دار (سینگ بوچه) در ۱۲۳۵۰ پایی بود که در سال قبل انجام شد. پرش با چتر خیلی متداول است و ورزشی ساده در سراسر دنیاست. ورزش آخر هفته در فلوریدا، شیکاگو و بسیاری از جاهای دیگر است اما پرش با چتر از ناحیه اورست چیزی متفاوت و خاص است.

من امروز آدمی بسیار خرسند و راضی هستم. من نمی دانم که چه چیزی دقیقاً به من الهام شد و این جرعه را در من به وجود آورد تا پرش با چتر به یاد ماندنی بر فراز ناحیه ی اورست انجام دهم، با این وجود این پیروزی بر چیزی منحصر به فرد و آزموده نشده برای من غرور آفرین است زیرا افتخار را برای نیروی هوایی هند و کشور به ارمغان آورده است...

◆ نویسنده که به او جایزه ماجراجویی ملی تنزینگ نورگای (Tensing Norgay) بزرگترین جایزه غیر نظامی در ماجراجویی اعطاء شد در حال حاضر پروژه ی ماموریت "هفت قله" نیروی هوایی هند را برای صعود از بلندترین قله های هفت قاره هدایت می کند.

● منبع : مجله انگلیسی India Perspectives ، سپتامبر - اکتبر ۲۰۰۹ میلادی

## برنامه فارسی رادیو دهلی

برنامه صبح از ساعت هشت و نیم تا نه به وقت تهران، روی امواج کوتاه ۱۹ متر برابر با ردیف های ۱۱۷۳، ۱۵۷۷۰ و ۱۷۸۴۵ کیلوهرتز

- ۸/۳۰ آغاز برنامه
- ۸/۳۱ یک آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (روزهای جمعه)
- ۸/۳۵ اخبار هند و جهان
- ۸/۴۵ برنامه ترانه های فیلم هندی / برنامه روحانی (پنج شنبه ها)
- ۹/۰۰ برنامه ترانه غیر فیلمی (جمعه ها) / برنامه ترانه های قدیم (شنبه ها)

برنامه شب از ساعت ۲۰/۴۵ تا ساعت ۲۳/۰۰ به وقت تهران روی امواج کوتاه ۳۰ و ۴۱ متر برابر با ۷۱۱۵، ۹۹۰۵ و ۱۱۵۸۵ کیلوهرتز

- ۲۰/۴۵ آغاز برنامه
- ۲۰/۴۶ آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (جمعه شب ها)
- ۲۰/۵۰ اخبار هند و جهان
- ۲۱/۰۰ ترانه فیلم هندی
- ۲۱/۰۵ تفسیر روز
- ۲۱/۱۰ موسیقی اصیل هندی
- ۲۱/۱۵ بررسی جراید هند
- ۲۱/۲۰ گفتار (یک شنبه و سه شنبه) / برنامه ادبی (دوشنبه ها) / گل های رنگارنگ (چهارشنبه شب ها) / برنامه قوالی (پنج شنبه شب ها) / برنامه سرودهای محلی (جمعه شب ها) / جهان سینما (شنبه شب ها) / بررسی فیلم ها - برنامه راجع به یک شخصیت فیلم هندی
- ۲۱/۳۰ برنامه قوالی و برنامه نوای هند (یکشنبه شب ها) / برنامه ترانه های یک فیلم هندی (سه شنبه شب ها) - ترانه یک هنرمند (شنبه شب ها)
- ۲۱/۴۰ برنامه غزل (پنج شنبه شب ها)
- ۲۱/۵۵ برگزیده اخبار
- ۲۳/۰۰ پایان برنامه

اگر مایل باشید مکاتبه کنید می توانید نامه های خود را به یکی از دو نشانی زیر ارسال دارید :  
رئیس بخش فارسی رادیو دهلی  
توسط سفارت هند - تهران، خیابان میرعماد، شماره ۴۶

### Incharge

Persian Unit, External Services Division, All India Radio, Room No. 515, New B' Casting House, Sansad Marg, New Delhi - 110001 India

## اطلاعیه

بدین وسیله به اطلاع می رسد که رادیو و تلویزیون سراسری هند برنامه اخبار خود را به صورت آنلاین آغاز کرده اند.  
وب سایت ها از قرار زیر است :

<http://www.newsonair.nic.in>

<http://www.newsonair.com>

ویژگی خاص این وب سایت ماهیت چند زبانه آن است. بازدید کنندگان می توانند نه تنها برنامه های خبری را به زبان های انگلیسی و هندی بلکه به شانزده زبان منطقه ای از جمله پنجابی را نیز گوش دهند. به غیر از اخبار فرمت شنیداری مزیت استفاده از صورت ساده و استاندارد زبانهای مربوط را دارد که می تواند برای نوآموزان و مشتاقان زبان سرمشق باشد.  
امیدواریم که این وب سایت ها برای دوستداران هند و کسانی که زبانهای هند را می آموزند مورد علاقه فراوان خواهد بود.



# Āina-i-Hind

*A Bimonthly Publication of Press and Cultural Section of Indian Embassy (Tehran)*

No. 34, June-July 2010

